



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



اعرف الحق تعرف امله

۲۱

سلسله پژوهش های اعتقادی

اهل بیت (ع) در نهج البلاغه

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

آیت الله علی حسینی میلانی

ناشر چاپی:

مرکز الحقایق الاسلامیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	سلسله پژوهش های اعتقادی، اهل بیت (علیهم السلام) در نهج البلاغه المجلد ۲۱
۷	مشخصات کتاب
۸	سرآغاز ...
۱۲	اهل بیت علیهم السلام در نهج البلاغه ...
۱۲	پیش گفتار ...
۱۴	بخش یکم آفرینش اهل بیت علیهم السلام ...
۱۴	عدم سنجش کسی از امت با مرتبه و مقام اهل بیت ...
۱۶	آفرینش نوری اهل بیت ...
۱۸	یگانگی تبار ...
۲۰	بهترین خاندان و برترین قبیله ...
۲۱	پاره ای از وجود شریف ...
۲۴	بخش دوم اخلاق و خوی های پسندیده اهل بیت علیهم السلام ...
۲۴	پرورش یافتگان نبوت ...
۲۵	فرشته اعظم ...
۲۶	خلوت در حراء ...
۲۷	برتری دیگر ...
۲۸	پیشوایان بعد از پیامبر ...
۳۱	جایگاه راز پیامبر خدا و گنجینه علوم ...
۳۴	دانش اهل بیت علیهم السلام و کتاب های آسمانی ...
۳۷	اهل بیت علیهم السلام و زنده کنندگان دانش ...
۳۹	اصل و ریشه پیامبری ...
۴۲	اهل بیت علیهم السلام و حقایق قرآن و سنت ...
۴۶	اهل بیت علیهم السلام و علم به غیب ...

۴۸	اهل بیت علیهم السلام و درهای دانش ...
۵۱	بخش سوم کمالات و فضایل اهل بیت علیهم السلام ...
۵۱	اهل بیت علیهم السلام ساخته خداوندگار و مردم ساخته آنان ...
۵۸	اهل بیت علیهم السلام و مقام عصمت ...
۶۲	پایه های دین و هدایت گران مردمان ...
۶۵	جایگاه و مقام اهل بیت ...
۶۵	همانند منزلت قرآن ...
۶۷	نکاتی مهم ...
۷۰	ستارگان هدایت ...
۷۲	اهل بیت علیهم السلام و اقامه لوازم امامت و مهتری ...
۷۵	اهل بیت علیهم السلام و دفاع از حریم دین الاهی ...
۷۸	اهل بیت علیهم السلام یکی از دو ثقل گران بها ...
۸۱	اهل بیت علیهم السلام و پرچم های برافراشته حق ...
۸۴	اهل بیت علیهم السلام و حق سروری و مهتری ...
۸۶	اهل بیت علیهم السلام و شایستگان سروری و امامت ...
۸۷	خطبه شقشقیه ...
۹۲	مرگ با شناخت آنان شهادت است ...
۹۷	کتابنامه ...
۱۰۳	درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان قرارداد: اهل بیت علیهم السلام فی نهج البلاغه. فارسی.

نهج البلاغه. فارسی - عربی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور: اهل بیت علیهم السلام در نهج البلاغه/ علی حسینی میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه مرکز حقایق اسلامی.

مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص.

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۲۱.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۴۸-۲۰-۰

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Ali Hosayni Milani. Household (A.S.) in Nahjal - balagheh.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۰۷] - ۱۱۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: خاندان نبوت

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق.. نهج البلاغه -- خاندان نبوت

شناسه افزوده: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق.. نهج البلاغه -- برگزیده

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۳۸/۰۹/خ ۱۶ ح ۵ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۱۹۶۵۲۴۷

ص: ۱

سرآغاز ...



... آخرین و کامل ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای مّنان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد

ص: ۲

\*\*\*

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه و آله،- با توطئه هایی از پیش مهیا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان تاب بود- پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دُررَبار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

\*\*\*

واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته اند ...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّم له، آن ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّه الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

### اهل بیت علیهم السلام در نهج البلاغه ...

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله  
الطيبين الطاهرين، ولعنه الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

### پیش گفتار ...

کتابی که فراروی شماست به مناسبت هزاره سید رضی رحمه الله نوشته شده، این کتاب پژوهشی گذرا در نهج البلاغه برای شناخت «اهل بیت و خاندان پیامبر علیهم السلام» است؛ آن گونه که سرسلسله اهل بیت بعد از رسول الله، امیر مؤمنان علی علیه السلام آنان را معرفی و وصف کرده است.

نهج البلاغه شریف رضی رحمه الله و هر چه در آن آمده است، در واقع گزینشی از سخنرانی ها، نامه ها و سخنان دربار آن بزرگوار است که در بردارنده آموزه ها، اندیشه ها، و نظریه های آن حضرت در امور گوناگون است.

تردید در انتساب کتاب نهج البلاغه به شریف رضی رحمه الله، یا در

\*\*\*

انتساب این سخنان بلند مرتبه به حضرت علی علیه السلام، مانند تردید در وجود خود امام و شریف رضی خواهد بود.

بر ما لازم است تا برای شناخت جایگاه و منزلت والای «اهل بیت» علیهم السلام به نهج البلاغه مراجعه نماییم؛ زیرا امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله سرور اهل بیت و داناترین مردم نسبت به مقامات و حالات آنان بوده؛ ضمن این که کلام او درباره اشخاص عین حقیقت و مطابق واقع است.

نام و یاد اهل بیت علیهم السلام به انگیزه های گوناگونی در موارد فراوانی از نهج البلاغه آمده است. حضرت علی علیه السلام در بیشتر موارد به شیوه های گوناگون بر برتری همه جانبه «أهل البیت» نزد خدای بزرگ به گواهی آیات قرآن مجید و احادیث قطعی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، و نیز به این که خدا آن ها را به جهت هدایت و رهبری امت نصب نموده، اشاره می فرماید.

هنگامی که به آن ویژگی ها و معانی آن ها دقت کنیم و به دلیل های آن ها از قرآن کریم و روایات مراجعه نماییم، درمی یابیم که افرادی که مسلمانان بر عدم عصمت آن ها اجماع دارند، تحت عنوان «آل النبی» و «اهل بیت» یا «عترت پیامبر» داخل نمی توانند باشند.

علی حسینی میلانی

\*\*\*

## بخش یکم آفرینش اهل بیت علیهم السلام ...

### عدم سنجش کسی از امت با مرتبه و مقام اهل بیت ...

علیهم السلام

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنی می فرماید:

لا یقاس بآل محمّد من هذه الأمّة أحد ولا یسوّی بهم من جرت نعمتهم علیه أبداً؛ (۱)

هیچ کس با مرتبه و مقام خاندان پیامبر از امت اسلامی سنجیده نمی شود و هیچ گاه کسانی که خود مشمول نعمت های اهل بیت هستند، با خود آنان برابر نمی شوند.

این عبارت شامل گفتاری همه جانبه است و آن چه می فرماید: «و هیچ کس از این امت با خاندان محمد سنجش نمی شود»؛ یعنی: در تمام رتبه ها و داشته ها؛

منظور از «از این امت»؛ یعنی: و از دیگر امت ها نیز کسی با شما

ص: ۷

سنجش نمی شود؛ و این به دلیل اولویت امت اسلامی بر دیگر امت هاست؛ زیرا قرآن، امت اسلامی را از تمام امت ها برتر می داند، آن جا که می فرماید:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»؛ (۱)

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شدید.

و منظور از «أحداً»: هر کس که باشد.

معنای «و برابری نمی کند با آن ها ...»: گرچه در ظاهر برتری داده شد، ولی به صورت قطعی برتری داده نخواهد شد.

«کسانی که مشمول نعمت های آن بزرگواران شده اند»، نعمت در این گفتار، شامل همه نعمت هاست.

«هرگز» نفی و انکار همیشگی است، یا این که هر نعمتی که بوده و خواهد بود تا همیشه زمان از اهل بیت علیهم السلام جاری خواهد بود.

این معنای بسیار دقیق و ظریف است که در ادامه برخی از موارد آن را توضیح خواهیم داد. (۲) امیر مؤمنان علی علیه السلام با این گفتار باب برتری جویی بین پیامبران بزرگ الهی و هم چنین فرشتگان بلند مرتبه خداوند را با

ص: ۸

---

۱- .سوره آل عمران: آیه ۱۱۰

۲- .ر. ک: ص ۶۱ از همین کتاب

\*\*\*

اهل بیت علیهم السلام به طور کامل می بندد تا چه رسد به سنجش آنان با اصحاب رسول و فرستاده پروردگار جهانیان.

یکی از پژوهش گران سنی، نیکو و دادگرانه سخن گفته، آن جا که گوید:

هر کس یکی از اصحاب پیامبر را بر دیگر اصحاب برتری دهد، منظور او به یقین برتری دادن بر علی نیست؛ زیرا علی از اهل بیت پیامبر است.

پس برترین آفریدگان بعد از حضرت محمد صلی الله علیه وآله خاندان او هستند، و این، همان واقعیت و حقیقت است؛ زیرا آنان مانند پیامبر بر تمامی پیامبران الهی برتری جستند و آنان مهتر آفریدگان در آفرینش، اخلاق و کمالات هستند.

چرا در آفرینش برترند؟ زیرا با پیامبر از یک نور و از یک ریشه و درخت آفریده شدند؛ همان گونه که از روایت های فراوان مورد اتفاق همگان برمی آید:

### **آفرینش نوری اهل بیت ...**

احمد بن حنبل از عبدالرزاق از معمر از زهری از خالد بن معدان از زاذان این گونه روایت می کند که سلمان گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:



\*\*\*

كنت أنا وعلی بن ابي طالب نوراً بين يدي الله تعالى قبل أن يخلق آدم بأربعه آلاف عام، فلمّا خلق آدم قسم ذلك النور جزءين؛ جزء أنا وجزء علي؛ (۱)

من و علی بن ابی طالب چهار هزار سال پیش از آفرینش آدم، نوری در پیشگاه خداوند بودیم، پس هنگامی که آدم آفریده شد، آن نور را دو بخش کرد: بخشی من شدم و بخشی دیگر علی.

روایت دیگری را در این زمینه گنجی از خطیب بغدادی و ابن عساکر از ابن عباس نقل کرده اند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

خلق الله قضيماً من نور قبل أن يخلق الدنيا بأربعين ألف عام، فجعله أمام العرش، حتى كان أول مبعثي، فشق منه نصفاً فخلق منه نبيكم، والنصف الآخر علي بن أبي طالب؛ (۲)

خداوند چهل هزار سال پیش از آفرینش دنیا شاخه ای از نور آفرید و آن را پیشاپیش عرش خود قرار داد تا این که ابتدای مبعث من شد.

پس نیمی از آن را جدا نمود و پیامبر شما را از آن آفرید و از نیمه دیگر نیز علی را.

ص: ۱۰

---

۱- . تذکره خواصّ الامّه: ۴۶، الرياض النضره: ۲ / ۲۱۷

۲- . کفایه الطالب: ۳۱۴

\*\*\*

حاکم نیشابوری حدیث دیگری را از جابر بن عبدالله روایت کرده است که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام می فرمود:

یا علی! الناس من شجر شتی وأنا وأنت من شجرة واحدة؛

ای علی! تمامی مردم از ریشه ها و اصل های گوناگون هستند؛ ولی من و تو از یک ریشه و درخت هستیم.

آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه وآله این آیه را خواندند:

«وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ»؛ (۱)

و باغ هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از ریشه های گوناگون که با یک آب سیراب می شوند.

حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث می گوید:

این حدیث از نظر سند کاملاً درست است. (۲)

### یگانگی تبار ...

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و امیر مؤمنان علی علیه السلام از یک ریشه و تبارند.

ص: ۱۱

---

۱- .سوره رعد: آیه ۴

۲- .المستدرک علی الصحیحین: ۲ / ۲۴۱

\*\*\*

در این باره گنجی حدیثی را از طبرانی و ابن عساکر حدیثی را از ابوامامه باهلی نقل می کنند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى وَخَلَقَنِي وَعَلِيًّا مِنْ شَجْرَةٍ وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا، وَعَلِيٌّ فِرْعَاهَا، وَفَاطِمَةُ لِقَاحُهَا، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثَمَرَاهَا؛ فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغَضَنِ مِنْ أَغْصَانِهَا نَجَا، وَمَنْ زَاغَ عَنْهَا هَوَى، وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ بَيْنَ الصِّفَا وَالْمَرُوهِ أَلْفَ عَامٍ ثُمَّ أَلْفَ عَامٍ، ثُمَّ لَمْ يَدْرِكْ مَحَبَّتَنَا أَكْبَهَ اللَّهُ عَلَيَّ مِنْخَرِيهِ فِي النَّارِ؛

خداوند تمام پیامبران را از ریشه ها و درختان گوناگونی آفرید و من و علی را از یک درخت. پس من ریشه آن درخت هستم، علی شاخه آن، فاطمه بارورساز آن، حسن و حسین میوه آن درخت هستند.

پس هر کس به شاخه ای از شاخه های آن درآویزد، رستگار شود و هر کس از آن منحرف گردد، به هلاکت می رسد و اگر بنده ای هزار سال بین صفا و مروه خداوند را پرستش نماید و هزار سال دیگر نیز همین گونه باشد؛ ولی دوستی ما را درک نمایید، خداوند او را با رو در آتش اندازد.

آن گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این آیه را قرائت فرمود:

«قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ (۱)

[به مسلمانان] بگو: از شما هیچ اجر و پاداشی نمی خواهم مگر مهرورزی به خاندانم. (۲)

### بهترین خاندان و برترین قبیله ...

خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بهترین خاندان و تیره و قبیله آن حضرت، برترین قبیله و تیره هاست. حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام به این مورد اشاره کردند و فرمودند:

عترته خیر العتر، واسرته خیر الاسر، وشجرته خیر الشجر، نبتت فی حرم، وبسقت فی کرم، لها فروع طوال، وثمر لا ینال؛ (۳)

خاندان نزدیک او بهترین خاندان ها و قبیله او بهترین قبیله ها، درخت وجود و ریشه های هستی اش بهترین درخت هاست که در حرم [کبریا و عظمت] روئیده است و در بستان بزرگی و مهتری بالیده است، شاخه های بسیار بلند دارد و میوه هایی که دست [فرومایگان] به آن نمی رسد.

ص: ۱۳

---

۱- .سوره شوری: آیه ۲۳

۲- .کفایه الطالب: ۲۲۰

۳- .نهج البلاغه: ۱۳۹

\*\*\*

آن حضرت در جای دیگری فرموده است:

اسرته خیر اسره، و شجرته خیر شجره، أغصانها معتدله، و ثمارها متهدله؛ (۱)

قبیله و تبارش بهترین قبیله و درختش بهترین درخت است، شاخه های این درخت موزون و میوه هایش در دسترس [شایستگان] است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخنی دیگر فرموده است:

نحن شجره النبوه؛ (۲)

ما درخت پیامبری هستیم.

### پاره ای از وجود شریف ...

خاندان پیامبر جزئی از وجود پیامبر خدا صلی الله علیه وآله هستند؛ در روایتی که مورد قبول همگان است، آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

علی منی و أنا منه؛ (۳)

علی از من است و من از علی.

ص: ۱۴

---

۱- . نهج البلاغه: ۲۲۹

۲- . همان: ۱۶۲

۳- . این حدیث ارزشمند را تمام صحیح نگاران و مسند نویسان اهل سنت و بزرگان دیگر مانند: احمد بن حنبل، ترمذی، ابن ماجه، نسائی، طبرانی، بغوی و دیگران نقل کرده اند

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در حدیث دیگری فرمودند:

فاطمه بضعه منی، فمن أغضبها أغضبني؛ (۱)

فاطمه پاره ای از تن من است، پس هر کس او را به خشم آورد مرا خشمگین کرده است.

آری، حافظ سهیلی (۲) با استناد و پشتوانه این حدیث گفته است که فاطمه علیها السلام از ابوبکر و عمر برتر است؛ (۳) زیرا که او جزئی از پیامبر است.

حافظ بیهقی (۴) نیز این گونه گفته است:

تردیدی نیست که دو فرزندشان و امامان از فرزندان امام حسین علیهم السلام جزء و پاره ای از آن دو هستند. پس آنان پاره ای از تن پیامبر گرامی هستند. (۵)

ص: ۱۵

- 
- ۱- این حدیث را تمامی صحیح نویسان و مسند نویسان و در رأس آن ها بخاری نگارنده صحیح معروف، آورده اند
  - ۲- سهیلی شرح دهنده سیره و تاریخ پیامبر از بزرگان و پژوهش گران مهم اهل سنت است که در سال ۵۸۱ هجری در گذشته است
  - ۳- این سخن سهیلی را علامه مناوی در فیض القدير: ج ۴، ص ۴۲۱ آورده است
  - ۴- بیهقی از بزرگان فقه و روایت اهل سنت است که در سال ۴۵۸ هجری در گذشته است
  - ۵- این سخن را علامه عجیلی در ذخیره المآل- که تصویری از نسخه آن در اختیار ماست- آورده است

\*\*\*

فرا تر این که «خاندان محمد» خود پیامبر هستند؛ زیرا که حضرت علی علیه السلام به دلیل آیه مباحله (۱) خود اوست. از طرفی پیامبر فرزندش حسن علیه السلام را این گونه مورد سخن قرار می داد:

وجدتک بعضی بل وجدتک کلّی؛ (۲)

تو را جزئی از خود یافتم؛ بلکه تو را تمام خود می بینم.

البته امام حسین و امامان از فرزندان علیهم السلام نیز این گونه هستند.

ص: ۱۶

---

۱- ر. ک: کتاب آیه مباحله از همین نگارنده

۲- نهج البلاغه: ۳۹۱

## بخش دوم اخلاق و خوی های پسندیده اهل بیت علیهم السلام ...

### پرورش یافتگان نبوت ...

اهل بیت علیهم السلام در اخلاق و خوی های پسندیده به سان پیامبر هستند. پس تمامی خوی های پسندیده پیامبر و برتری های اخلاقی آن حضرت، در آل محمد علیهم السلام است؛ زیرا آنان همان گونه که گذشت، از یک ریشه هستند و علاوه بر این، آنان در دامان پرمهر او پرورش یافتند و از پیشگاه او علم و معرفت آموختند.

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید:

أنا وضعت في الصغر بكلاكل العرب، وكسرت نواجم قرون ربيعه ومضر، وقد علمتم موضعي من رسول الله صلى الله عليه وآله  
بالقرباه القريبه والمنزله الخصيصه، وضعت في حجره وأنا ولد، يضمّني إلى صدره ويكنفني في فراشه، ويمسّني جسده، ويشمّني  
عرفه، وكان يمضغ الشيء ثمّ يلقمنيه، وما وجد لي كذبه في قول، ولا خطله في فعل؛



\*\*\*

من در نوجوانی و خردی بزرگان عرب را پست کرده و به خاک درانداختم و شاخ های برون آمده و سرکردگان مخالف و شورشی دو قبیله ربیع و مضر را شکستم و شما جایگاه نزدیک و رتبه و مقام بلند مرا، نزد پیامبر می دانید، آن گاه که کودک بودم مرا در دامن خود می نهاد، مرا در آغوش می کشید و به سینه می چسباند و با احترام در بستر خود می خوابانید، تن خویش را به بدن من، می سود و بوی عطر دلاویز خود را به من می بویاند. غذا را ابتدا می جوید و آن را به من می خورانید و هیچ گاه دروغی در گفتارم و اشتباهی در کردار و منش من نیافت.

### فرشته اعظم ...

آن گاه حضرتش می فرماید:

ولقد قرن الله به صلى الله عليه وآله من لدن أن كان فطيماً أعظم ملك من ملائكته، يسلك به طريق المكارم ومحاسن أخلاق العالم، ليله ونهاره.

ولقد كنت أتبعه أتباع الفصيل أثر أمه، يرفع لي في كل يوم من أخلاقه علماً ويأمرني بالإقتداء به؛

خداوند از هنگامی که پیامبر از شیر گرفته شد، بزرگ ترین فرشته

\*\*\*

خود را شب و روز هم نشین او فرمود تا راه های بزرگواری را بیمایید و تمامی خوی های پسندیده و نیکوی جهان را فراهم نمایید و من همواره پیرو او بودم؛ آن گونه که بچه شتر شیرخوار از مادرش پیروی می نماید، هر روز برای من از بهترین خوی ها پرچمی برمی افراشت و مرا به پیروی از آن، امر می فرمود.

### خلوت در حراء ...

آن گاه به فضیلت دیگری از خود اشاره می کند و می فرماید:

ولقد كان يجاور في كلِّ سنه بحراء، فأراه ولا يراه غيري، ولم يجمع بيت واحد يومئذٍ في الإسلام غير رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآله وخديجه وأنا ثالثهما، أرى نور الوحي والرساله وأشتم ریح النبوه.

ولقد سمعت رنّه الشيطان حين نزل الوحي عليه صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآله، فقلت: يا رسول الله ما هذه الرنّه؟

فقال: هذا الشيطان قد أيس من عبادته، إنك تسمع ما أسمع وترى ما أرى، إلّا أنك لست بنبيّ، ولكنك لوزير، وإنك لعلی خیر؛

پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وآله هر سال در حراء خلوت می گزید و تنها

\*\*\*

من او را می دیدم، نه دیگری. در آن روزگار، اسلام در هیچ خانه ای برقرار نگشته بود مگر خانه رسول خدا صلی الله علیه وآله و خدیجه علیها السلام و من که سومین نفر آنان بودم، نور و روشنایی وحی و رسالت را می دیدم و بوی نبوت را حس می کردم.

به راستی من صدای وحشت زده شیطان را در زمان فرود آمدن وحی بر پیامبر صلی الله علیه وآله می شنیدم. پرسیدم: ای پیامبر خدا! این صدای وحشت زده چیست؟

فرمود: این شیطان است، از این که او را نپرستند نومید و نگران است.

همانا تو می شنوی، آن چه را من می شنوم و می بینی و درک می کنی آن چه را من می بینم و می یابم؛ فقط تو پیامبر نیستی، بلکه وزیر و جایگزین من هستی و همواره بر مسیر درست و عافیت پیش می روی ...

### برتری دیگر ...

آن گاه امیر مؤمنان علی علیه السلام به برتری دیگری از خود اشاره می کند و می فرماید:

... وإني لمن قوم لا تأخذهم في الله لومة لائم، سيما الصديقين، وكلامهم الأبرار، عمّار الليل ومنار النهار، مستمسكون بحبل الله، يحيون سنن الله وسنن رسوله،

لا یتکبرون ولا یعلون، ولا یغلون ولا یفسدون، قلوبهم فی الجنان وأجسادهم فی العمل؛ (۱)

و من از مردمانی هستم که در راه خدا سرزنش سرزنش گران و نکوهندگان آن ها را در بر نمی گیرد؛ همان هایی که چهره هایشان چهره های راستگویان راست کردار است و گفتارشان گفتار نیکوکاران. آنان آبادگران و زنده داران شب و نشانه ها و راهنمایان روز و چنگ زندگان در ریسمان خدا هستند. آنان همواره سنت ها و روش های خداوند و پیامبرش را زنده نگه می دارند و هیچ گاه گردن کشی و گناه نمی نمایند و برتری جویی ندارند؛ نه خیانت کارند و نه تباه کار و نه فسادکار. دل هایشان در بهشت های برین و بدن هایشان سرگرم کار (برای خداوند و جهان آخرت) است.

### پیشوایان بعد از پیامبر ...

در این گفتار امیر مؤمنان علی علیه السلام بر نکته بسیار مهمی تأکید می نماید و می فرماید:

کسی که در تمامی کارها و مقام های پیامبری جایگزین و جانشین مرتبه پیامبر صلی الله علیه وآله است باید والاترین کسانی باشد که به وسیله

ص: ۲۱

\*\*\*

او به علم و آگاهی و ادب و تربیت الاهی رسیده اند.

آن گاه حضرتش تأکید می کند که تنها دارنده این خصوصیات و ویژگی ها خود اوست و هر علم و دانشی را که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آموزش می داد و اجازه آموختن آن را می داد و هر خوی و خصلت نیکویی که آن حضرت بر آن رفتار می نمود، به تمامی دریافت نموده و آموخته است؛ تا آن جا که شایستگی یافته تا آن چه را او می شنود، بشنود و آن چه را او می بیند و دریافت می دارد، او نیز دریافت بدارد و ببیند و اگر پایان یافتن پیامبری به حضرت محمد صلی الله علیه و آله نبود، همو پیامبر بعد از ایشان بود. از این رو پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مقام پیامبری را جدا نموده و می فرماید:

إِلَّا أَنْكَ لَسْتُ بِنَبِيٍّ، وَلَكِنَّكَ لَوْزِيرٌ؛

مگر این که تو پیامبر نیستی و وزیر و جایگزین من هستی.

این سخن والا رمز و اشاره ای به گفتار موسی علیه السلام است که خداوند سخن او را حکایت می کند که به خدا عرضه داشت:

«وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي \* هَارُونَ أَخِي»؛ (۱)

و برای من در خاندانم وزیر و دستیاری قرار بده، همان هارون برادرم را.

ص: ۲۲

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در سخنی به حضرت علی علیه السلام می فرماید:

اما ترضی أن تكون منی بمنزله هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدی؛ (۱)

آیا نمی خواهی که جایگاه تو از من، به مانند جایگاه هارون از موسی باشد مگر این که پیامبری بعد از من نیست؟

آن گاه امیر مؤمنان علی علیه السلام به قسمتی از ویژگی ها و امتیازات معنوی خاندان پیامبر که خداوند به آن ها اختصاص داده است، اشاره نموده و می فرماید:

وإني لمن قوم لا تأخذهم...؛

و همانا من از گروهی هستم که در راه خدا از هیچ سرزنش گری نمی ترسند.

آن حضرت در این گفتار مقام و مرتبه ای را بر آنان بیان می دارد که

ص: ۲۳

---

۱- . این همان حدیث «منزلت» است که همگان با تواتر آن را روایت نموده اند و بر صحت آن اتفاق نظر دارند و تمامی صحیح نگاران، مسند نویسان و صاحبان سنن و معجم و دیگر محدثان در تمامی سده های گذشته آن را با سند کامل آورده اند و از قوی ترین و استوارترین حجّت ها بر امامت بلافاصله امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله می باشد. گفتنی است که پژوهشی جداگانه در این باره با عنوان نگاهی به حدیث منزلت در ضمن سلسله پژوهش های اعتقادی چاپ شده است

\*\*\*

عقل بشر معمولی آن را در نمی یابد؛ آن جا که می فرماید:

قلوبهم فی الجنان وأجسادهم فی العمل؛

دل هایشان در بهشت های برین و بدن هایشان سرگرم کار (برای خداوند و جهان آخرت) است.

### جایگاه راز پیامبر خدا و گنجینه علوم ...

به راستی والاترین و برترین مطالبی که اهل بیت علیهم السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گرفته اند، همان دانش ها، آموزه های بلند الهی، شناخت ها و رازهای الهی است که همواره امیر مؤمنان علی علیه السلام آن ها را تکرار و بازگو می نماید و افتخار و سربلندی خود را به آن ها آشکارا سر می دهد. و آشکارا به آن می نازد و می فرماید:

هم موضع سرّه، ولجاً أمره، وعیبه علمه، وموئل حکمه، وکھوف کتبه، وجمال دینه. بهم أقام انحاء ظهره، وأذهب ارتعاد فرائضه؛  
(۱)

آنان جایگاه راز و علوم ناگفتنی و نهانی پیامبر، پشتیبان و نگهبان دستورات پیامبر، گنجینه تمامی دانش های او، سرچشمه سخنان استوار و حکمت (و احکام شرعی و نظر صواب) او و امان و نگهدارنده کتاب ها و بینات او و کوه های برافراشته دین برحق او

ص: ۲۴

\*\*\*

هستند. به وسیله آنان پشت خمیده اسلام استوار و ثابت و پابرجا گردید و لرزش ارکان در خطر افتاده آن از میان رفت.

در این عبارت تمامی ضمیرها به خداوند، یا به پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بازگشت می نماید، مگر ضمیر واژگان «ظهره: پشت او» و «فرائضه:

ارکان او» که به دین اسلام برگشت می نمایند.

منظور از «سرّ و راز» در این گفتار، دانش هایی است که هیچ کس جز آنان نمی تواند آن ها را فرا گیرد و کلمه «امر» بدین معناست که هر آن چه مردم برای دین و دنیای خود بدان نیازمندند، پس امامان، همان پشتیبان و پناه در آن دین هستند، خداوند متعال می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خداوند اطاعت کنید و اطاعت کنید پیامبر و اولی الامر خود را.

امیر مؤمنان علی علیه السلام خود با استدلال به این آیه کریمه در گفتاری که خواهد آمد به این معنا اشاره فرموده اند.

سخن دیگر درباره «عیبه امره» است که منظور از آن این است که امامان، مخزن و ظرف های دانش الهی هستند که خداوند به پیامبر سپرد.

ص: ۲۵



\*\*\*

حضرت علی علیه السلام در این گفتار به همان معنا اشاره کردند و فرمودند:

... علم الغیب المذی لا یعلمه أحد إلا الله، وما سوی ذلك فعلم علمه الله نبیه فعلمنیه، ودعالی بأن یعیه صدري وتضطّم علیه جوانحی؛

... دانش نهانی و غیبی را که فقط خداوند می داند و به غیر از آن، تمام دانش هایی که خداوند به پیامبر آموخت، به من آموزش داد و از خداوند خواست تا سینه من، آن را تحمّل نماید و دلم آن را در برگیرد و به خود پذیرد.

البته در این زمینه روایات دیگری نیز آمده است که کلینی رحمه الله برخی از آن ها را نقل کرده است. (۱) واژه دیگری که در این فراز به توضیح نیاز دارد، واژه «حکم» است. منظور از آن، یا تمامی احکام شرعی یا قضاوت و داوری است. از تمامی یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت متواتر و بسیار زیاد روایت شده که گفته اند:

أقضانا علی؛ (۲)

علی از همه ما در قضاوت و داوری بالاتر است.

ص: ۲۶

---

۱- . الکافی: ۱/ ۲۵۶

۲- . الرياض النضرة: ۲/ ۱۹۸، فتح الباری: ۸/ ۱۳۶، تاریخ الخلفاء: ۱۱۵، الاستیعاب: ۳/ ۴۰، حلیه الاولیاء: ۱/ ۶۵ و منابع دیگر

البته روایت های بسیاری از اهل بیت علیهم السلام رسیده که از بردن داوری به نزد غیر او باز داشته اند که برخی از این روایات را شیخ حرّ عاملی رحمه الله در کتاب وسائل الشیعه آورده است. (۱)

### دانش اهل بیت علیهم السلام و کتاب های آسمانی ...

کلمه مورد توجه دیگر در این فراز «کتابه؛ کتاب هایش» است. در صورتی که ضمیر این واژه به خداوند بازگشت نماید، منظور تمامی کتاب های آسمانی خواهد بود و اگر بازگشت ضمیر آن، به پیامبر باشد، منظور از آن، قرآن، سنت و دیگر نهاده های پیامبر خواهد بود.

روشن است که اهل بیت علیهم السلام اهل و صاحبان دانش قرآن و مرجع تمامی دانش های قرآنی هستند و این علوم از آنان آموخته شده و سرچشمه گرفته است و از آنان در تمامی جهان اسلام گسترش پیدا کرده است. برای نمونه عبدالله بن عباس و نظایر او که دانش های گوناگون قرآن در آنان به انتها می رسد، و ظاهراً همگان از آنان فرا گرفته اند، همگی آنان شاگردان امیر مؤمنان علی علیه السلام هستند.

درباره دیگر کتاب های آسمانی نیز روایت های بسیاری داریم که دانش آن ها نزد اهل بیت علیهم السلام است که برخی از آن ها را شیخ

ص: ۲۷

\*\*\*

کلینی رحمه الله در کتاب شریف کافی آورده است. (۱) در روایت دیگری آمده که امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن سخنرانی فرمودند:

سلونی قبل أن تفقدونی، فأنا عیبه رسول الله، وأنا فقأت عین الفتنة بیاطنها وظاهرها، سلوا من عنده علم المنايا والبلايا والوصایا وفصل الخطاب، سلونی فأنا یعسوب المؤمنین حقاً، وما من فئة تهدي مائه أو تضلّ مائه إلاوقد أتیت بقائدها وسائقها.

والمدی نفسی بیده، لوطوی لی الوساده فأجلس علیها لفضیت بین أهل التوراه بتوراتهم، ولأهل الإنجیل بإنجیلهم، ولأهل الزبور بزبورهم، ولأهل الفرقان بفرقانهم؛

از من پرسید پیش از آن که مرا از دست دهید، پس من مخزن و گنجینه پیامبر خدا هستم و من آشکار و نهان چشم فتنه جنگ و اختلاف بین مسلمانان را بیرون آوردم و از جای گندم و تمام ریشه های آشکار و نهان فتنه را از بین بردم، از کسی که تمام دانش مرگ و میرها و تمام مصیبت ها و وقایع و وصیت ها و دانش قرآن و سخن راستین را می داند، پرسید.

ص: ۲۸

\*\*\*

پرسید از من که من سرور واقعی تمام مؤمنان (سردسته مؤمنان) هستم و هیچ گروهی (اشخاصی) نیستند که صد نفر را هدایت یا گمراه نمایند مگر این که با رئیس و راهنمایان محشور شوند.

سوگند به خداوندی که جان من در دست اوست، اگر مسند و مقام داوری و قضاوت را برای من مهیا می نمودند و بر آن قرار می گرفتم؛ آن گاه بین یهودیان به توراتشان، بین مسیحیان به انجیلشان، بین زبوریان به زبورشان و بین مسلمانان به قرآن شان داوری می نمودم.

در این هنگام «ابن کوا» به پا خاست و به امیر مؤمنان علی علیه السلام رو کرد و گفت: ای امیر مؤمنان! از خودت و مقام خود برای من بگو!

حضرت فرمودند:

ویلک! اترید أن ازگی نفسی وقد نهی الله عن ذلك؟! مع ائی كنت إذا سألت رسول الله صلى الله عليه وآله أعطاني، وإذا سكت ابتدأني، وبين الجوانح مني علم جم، ونحن أهل البيت لا نفاس بأحد؛ (۱)

وای بر تو! آیا می خواهی خود را پاک و منزّه بشمارم در حالی که خداوند از چنین کاری بازداشته است؟ با این که هر گاه از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله سؤالی می کردم، جواب می فرمودند

ص: ۲۹

\*\*\*

و هر گاه سکوت اختیار می نمودم، ایشان شروع به سخن می نمودند.

در سینه من علم جمّ (فراوانی) وجود دارد و ما خاندان با هیچ کس سنجش نمی شویم.

عبارت دیگری که به بیان نیاز دارد، عبارت «جبال دینه؛ کوه های استوار دینش» است. منظور از این عبارت، ماندگاری، پایداری و پایدگی دین به ماندگاری و پایدگی اهل بیت علیهم السلام است که در این باره سخنی بیان خواهد شد.

### اهل بیت علیهم السلام و زنده کنندگان دانش ...

امیر مؤمنان علی علیه السلام در فراز دیگری به علوم سرشار اهل بیت علیهم السلام اشاره می کنند و می فرمایند:

هم عیش العلم وموت الجهل، یخبرکم حلمهم عن علمهم، وظاهرهم عن باطنهم، وصمتهم عن حکم منطقهم، لا یخالفون الحقّ ولا یختلفون فیه، وهم دعائم الإسلام وولائج الاعتصام، بهم عاد الحقّ إلى نصابه، وانزاح الباطل عن مقامه، وانتقطع لسانه عن منبته، عقلوا الدین عقل وعایه ورعایه، لا عقل سماع وروایه، فإنّ رواه العلم کثیر ورعاته قلیل؛ (۱)

ص: ۳۰

\*\*\*

آنان زنده کننده دانایی، نابودکننده جهل و نادانی هستند، بردباریشان از دانائیشان خبر می دهد و نمود و ظاهرشان از نهان و باطنشان، و خاموشی شان از راستی و درستی گفتارشان شما را آگاه می سازد.

هیچ گاه با حق و درستی مخالفت نکرده اند و در آن، ناسازگاری پیدا نمی نمایند. آنان ستون های اسلام و پناه گاه های محکم آن هستند. به واسطه آنان حق به اصل و ریشه واقعی خویش باز می گردد و باطل و ناراستی از جایگاهش دور و نابود می گردد و زبانش از ریشه کنده می شود.

آنان دین را شناختند؛ شناختی که از نهایت دانایی و رعایت و عمل نمودن است، نه فقط شناختی که از شنیدن و نقل کردن باشد؛ زیرا که راویان دانش بسیارند و مجریان و رعایت کنندگانش اندک.

در این عبارت می فرماید: «هیچ گاه با حق و درستی مخالفت نکرده و در آن ناسازگاری پیدا نمی نمایند»، که این سخن به حجت بودن گفتار یکی از معصومین علیهم السلام اشاره دارد؛ تا چه رسد به همگی آنان. در روایتی آمده که امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند:

نحن فی العلم والشجاعه سواء؛ (۱)

ما خاندان پیامبر همگی در دانش و شجاعت برابر هستیم.

ص: ۳۱

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام درباره پیامبر، امیر مؤمنان و امامان از فرزندان ایشان می فرماید:

حجتهم واحده و طاعتهم واحده؛ (۱)

دلیلشان یکسان و برابر است و پیروی و فرمانبرداری آنان نیز یکسان و برابر است.

آن بزرگوار در روایت دیگری می فرماید:

نحن فى الأمر والفهم والحلال والحرام نجرى مجرى واحداً، فأما رسول الله صلى الله عليه وآله وعلى عليه السلام فلهما فضلها؛

۲

ما در خلافت و رهبری، درک و فهم و دانش شریعت به یک رویه هستیم، مگر پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و علی علیه السلام که جایگاه بلندتر و والاتری از ما دارند.

### اصل و ریشه پیامبری ...

حضرت علی علیه السلام در سخن دیگری می فرماید:

نحن شجرة النبوة، ومحط الرسالة، ومختلف الملائكة، ومعادن العلم، وینایع الحكم؛ (۲)

ص: ۳۲

---

۱- و ۲. الکافی: ۱ / ۲۷۵

۲- نهج البلاغه: ۱۶۲

\*\*\*

ما از اصل و ریشه پیامبری، فرود آمدن نگاه رسالت، جایگاه آمد و شد فرشتگان رحمت و سرچشمه دانش و چشمه سارهای بینش هستیم.

در این باره شیخ کلینی رحمه الله در کتاب شریف کافی روایت های دیگری نیز از اهل بیت علیهم السلام آورده است.  
آن گاه حضرتش می فرماید:

تالله، لقد عُلِّمَتْ تَبْلِيغَ الرِّسَالَاتِ، وَإِتْمَامَ الْعِدَاتِ، وَتَمَامَ الْكَلِمَاتِ، وَعِنْدَنَا - أَهْلُ الْبَيْتِ - أَبْوَابُ الْحِكْمِ وَضِيَاءُ الْأَمْرِ؛ (۱)

به خدا سوگند! من به روش پیام رسانی پیامبران بزرگ الهی و انجام تمامی وعده ها و همه کلمات پروردگار آموخته شدم و نزد ما خاندان پیامبر درهای حکمت و سخن استوار و نغز، و روشنی تمام کارها و حکومت دنیا و جهان آخرت است.

یعنی این که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله تمام آن چه را می دانسته به علی علیه السلام آموزش داده است. پس ایشان پایه ورکن دین اسلام و جایگاه تمامی دانش های پیامبر بوده اند، پس ناگزیر چگونگی نگرهبانی و رساندن دین و راه آموزش دانش آن را می دانسته است؛ چرا که برای زمان های گوناگون، ملت ها، افراد مختلف و مکان های متفاوت فرق دارد و هیچ کس نباید بر ایشان در انجام هر کاری، یا ترک کاری، یا گفتار

ص: ۳۳



\*\*\*

و سکوتی ایراد بگیرد.

از طرف دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله حقیقت وعده هایی را که بین خداوند و پیامبران و فرستادگان بزرگوارش به بندگان بوده است؛ هم چنین چگونگی برآورده کردن و به پایان رساندن آن را به او آموزش داده است.

به سخن دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله تمام وعده هایی را که به مردم داده بود و چگونگی برآوردن آن ها را بعد از او، به علی علیه السلام یاد داد؛ زیرا او جانشین به حق و برآورنده وعده ها و قرارهای پیامبر بوده است، همان گونه که در روایت های شیعه و سنی آمده است.

از سوی دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله کلمه هایی را که بین خداوند و پیامبرانش بوده و پایان یافتن آن ها را به حضرت علی علیه السلام آموزش داده است که قرآن کریم می فرماید:

«وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ»؛ (۱)

و کلام پروردگار تو- یعنی قرآن- به راستی و عدل و داد به حدّ کمال و تمام رسید؛ هیچ کس نمی تواند سخنان او را دگرگون سازد.

شاید منظور از کلمه ها، مطالبی غیر از کتاب های آسمانی و نوشته های الهی باشد.

ص: ۳۴

\*\*\*

اگر واژه «حکم» در عبارت امیرالمؤمنین علیه السلام - با حاء مضموم و کاف ساکن باشد - به معنای قضاوت و داوری است. پس اهل بیت علیهم السلام در داوری هایشان، راهنمایی هایی از جانب خداوند به آنان می شود که برای غیر از ایشان هیچ گاه چنین نمی شود. خداوند متعال می فرماید:

«إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ»؛ [\(۱\)](#)

همانا این کتاب را به راستی و درستی سوی تو فرو فرستادیم تا میان مردم به آن چه خداوند تو را بنمود، حکم کنی.

یا منظور از حکم، تمام دستورات الهی است.

و اگر واژه «حکم» - با حاء کسره دار و کاف مفتوح باشد - جمع حکمت - به معنای سخنان استوار و محکم خواهد بود.

و کلمه «امر» به معنای سروری و جانشینی، یا تمامی دستورات، یا تمامی کارهاست. بنابراین اهل بیت علیهم السلام با اجازه خداوند به تمام کارها آگاهند.

### اهل بیت علیهم السلام و حقایق قرآن و سنت ...

امیر مؤمنان علی علیه السلام در جای دیگر تأکید می ورزند که حقایق قرآن و سنت پیامبر نزد اهل بیت علیهم السلام است و آن بزرگواران

ص: ۳۵

\*\*\*

به داشتن آن از دیگران شایسته ترند، آن جا که می فرماید:

إِنَّمَا لَمْ نَحْكَمْ الرِّجَالَ وَإِنَّمَا حَكَّمْنَا الْقُرْآنَ، هَذَا الْقُرْآنُ إِنَّمَا هُوَ خَطٌّ مُسْتَوٍ بَيْنَ الدَّفْتَيْنِ، لَا يَنْطِقُ بِلِسَانٍ، وَلَا يَدُّ لَهُ مِنْ تَرْجَمَانٍ، وَإِنَّمَا يَنْطِقُ عَنْهُ الرِّجَالُ.

وَلَمَّا دَعَانَا الْقَوْمَ إِلَى أَنْ نَحْكُمَ بَيْنَنَا الْقُرْآنَ لَمْ نَكُنِ الْفَرِيقَ الْمَتَوَلَّى عَنْ كِتَابِ اللَّهِ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ سَبْحَانَهُ: «فَإِنْ تَنَارَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ»، (۱)

فَرُدُّهُ إِلَى اللَّهِ أَنْ نَحْكُمَ بَكِتَابِهِ، وَرَدَّهُ إِلَى الرَّسُولِ أَنْ نَأْخُذَ بِسُنَّتِهِ. فَإِذَا حَكَمَ بِالصِّدْقِ فِي كِتَابِ اللَّهِ فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ بِهِ، وَإِنْ حَكَمَ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَنَحْنُ أَحَقُّ النَّاسِ وَأَوْلَاهُمْ بِهَا ...

فَأَيْنَ يُتَاهُ بِكُمْ؟! وَمَنْ أَيْنَ اتَيْتُمْ؟! (۲)

ما هیچ گاه مردان را داور قرار ندادیم؛ بلکه تنها قرآن را به داوری پذیرفتیم، این قرآن، فقط خطی است نوشته شده که در میان دو پوست جلد نگهداری می شود، زبان ندارد تا سخن بگوید و همواره به کسی نیازمند است که آن را به سخن درآورد که تنها مردان او را به سخن وامی دارند.

هنگامی که شامیان از ما خواستند قرآن را داور قرار دهیم، از آن

ص: ۳۶

---

۱- .سوره نساء: آیه ۶۲

۲- . نهج البلاغه: ۱۸۲

\*\*\*

گروه نبودیم که از قرآن روی گردان باشیم؛ چرا که خداوند سبحان فرموده است: «پس هر گاه در کاری ناسازگاری و اختلاف کردید آن را به خدا و پیامبرش بازگردانید (و از آنان نظر نهایی را بخواهید)».

پس بازگردانیدن کارها به خداوند این است که به کتابش داوری و حکم نماییم و برگردانیدن کارها به پیامبر این است که سنت و آموزه های او را دریابیم و آن ها را به کار ببندیم.

پس اگر قرار باشد به کتاب خداوند به راستی و درستی داوری شود ما شایسته ترین مردم به آن هستیم و اگر قرار باشد به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله داوری نماییم، پس شایسته ترین مردم و برترین آن ها ما هستیم ...

پس اینک بنگرید از چه راه شما را گمراه می نمایند؟ و چگونه بر شما راه یافتند؟

در این باره روایت های بسیاری از خاندان پیامبر علیهم السلام آمده است. شیخ کلینی رحمه الله در قسمت های مختلفی از کتاب شریف کافی آن ها را آورده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام تصریح می کند که خاندان پیامبر - نه دیگران - همان «راسخان در علم» هستند و می فرماید:

أين الذين زعموا أنهم الراسخون في العلم دوننا كذباً وبغياً علينا، أن رفعنا الله ووضعهم، وأعطانا وحرّمهم، وأدخلنا وأخرجهم؛  
[\(۱\)](#)

ص: ۳۷

\*\*\*

کجایند آنانی که به دروغ و ستم بر ما می پندارند به جز ما راسخان در علم هستند از آن رو که خداوند ما را برتری داد و آنان را پست و خوار گردانید و به ما همه دانش ها را بخشید و آنان را بی بهره ساخت و ما را به حریم قربش پذیرفت و آنان را بیرون کرد.

شاید آن حضرت به این آیه اشاره می کند که می فرماید:

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ...»؛ (۱)

اوست آن خدایی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. برخی از آن آیه ها محکمت هستند (معنای روشن دارند) که آن ها رکن و پایه کتاب هستند و برخی دیگر متشابهات (چند پهلو و غیر روشن) هستند. پس کسانی که در دل های آنان کژی و گمراهی است، برای فتنه جویی و معنای نادرست و خراب کردن معنای آن، به آیه های غیر روشن و چند پهلو دست می اندازند (و در ظاهر از آن پیروی می نمایند) در حالی که معنای واقعی و حقیقی آن ها را جز خداوند و راسخان در علم نمی دانند ...

ص: ۳۸

در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده آن حضرت فرمود:

نحن الراسخون فی العلم ونحن نعلم تأویله؛ (۱)

ما راسخان در علم هستیم و ماییم که معنای حقیقی و واقعی آن ها را می دانیم.

روایت های دیگری نیز در این زمینه نقل شده است.

### اهل بیت علیهم السلام و علم به غیب ...

خاندان پیامبر علیهم السلام به آن چه بوده و هست آگاهند، مگر علمی که خداوند آن را به خود مخصوص نموده است که هیچ کس به غیر از او، از آن آگاهی ندارد. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

وما سوی ذلک فعلم علمه الله نبیه فعلمنیه، ودعا لی بأن یعیه صدری وتضطمّ علیه جوانحی؛ (۲)

دانش نهانی و غیب همان است که فقط خداوند آن را می داند و غیر آن تمام دانش هایی که خداوند به پیامبر آموخت و او نیز آن ها را به من آموزش داد و از خداوند خواست تا سینه من آن را تحمّل نماید و دلم آن را در بر بگیرد و به خود بپذیرد.

ص: ۳۹

---

۱- . الکافی: ۲۱۳/۱، الصافی فی تفسیر القرآن: ۸۴، چاپ قدیم

۲- . نهج البلاغه: ۱۸۶

\*\*\*

امیر مؤمنان علی علیه السلام در جای دیگری می فرمایند:

والله، لو شئت أن اخبر كل رجل منكم بمخرجه ومولجه وجميع شأنه لفعلت، ولكن أخاف أن تكفروا في رسول الله صلى الله عليه وآله.

ألا وإني مفضيه إلى الخاصه ممن يؤمن ذلك منه.

واللذي بعثه بالحق واصطفاه على الخلق، ما أنطق إلا صادقاً، وقد عهد إليّ بذلك كله، وبمهلك من يهلك، ومنجى من ينجو، ومآل هذا الأمر، وما أبقى شيئاً يمرُّ على رأسي إلا أفرغه في أذني وأفضي به إليّ؛ (۱)

به خداوند سوگند! اگر بخواهم می توانم خبر دهم هر مردی از شما را که از کجا آمده است و به کجا می رود و تمام کارهایش چیست! ولی می ترسم درباره من به باوری برسید که به رسول خدا صلی الله علیه وآله نداشتید.

پس آگاه باشید! من تمام این دانش ها و رازها را به یاران ویژه خود می رسانم و بازگو می نمایم.

سوگند به خداوندی که پیامبر را به راستی به پیامبری برانگیخت و او را بر تمام آفریدگان برگزید! فقط به راستی سخن می گویم و به

ص: ۴۰

\*\*\*

راستی که پیامبر به همه آن چه گفتم با من پیمان بسته است و نیز به تباهی و نابودی تباه شدگان و رهایی یافتگان از من تعهد گرفته است و به سرانجام تمام کارها آگاهی داده است و هر آن چه در سر می گذراندم و به فکر خود مرور می دادم، پاسخش را در گوشم فرو خواند و آن را به طور کامل به من رسانید و فهمانید.

در روایت دیگری آمده است که حضرت علی علیه السلام فرمود:

سلونی، واللّٰه ما تسألونی عن شیء ۛ یكون إلی یوم القیامه إلاً أخبرتکم ...؛ (۱)

از من پرسید، به خداوند سوگند! درباره هر آن چه که تا روز قیامت خواهد بود اگر از من پرسیده شود به شما پاسخ خواهم داد.

### اهل بیت علیهم السلام و درهای دانش ...

خاندان پیامبر علیهم السلام همان «درها» هستند. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرماید:

نحن الشعار والأصحاب والخزنة والأبواب، ولا تؤتی البیوت إلاً من أبوابها، فمن أتاها من غیر أبوابها سُمی سارقاً؛ (۲)

ما اهل بیت چون لباس نزدیک به او و یاران صمیمی پیامبر

ص: ۴۱

---

۱- فتح الباری: ۸ / ۴۵۸، تاریخ الخلفاء: ۱۲۴، جامع بیان العلم: ۱ / ۱۱۴

۲- نهج البلاغه: ۲۱۵



\*\*\*

و گنجینه داران نبوت و درهای رسالت و پیامبری هستیم و هیچ خانه ای را جز از در آن وارد نمی شوند، و هر که غیر از در وارد شود دزد نامیده می شود.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

فقط جانشینان پیامبر، درهای الهی هستند که از آن ها باید وارد شد و اگر آنان نبودند، هیچ گاه خداوند شناخته نمی شد و به وسیله آنان خداوند بر تمام آفریدگان دلیل و برهان را کامل می کند.

پیش از این نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خود را شهر دانش خواند و علی علیه السلام را دروازه آن شهر قرار داد.

تمام حافظان حدیث اهل سنت از امیر مؤمنان علی علیه السلام این گونه نقل کرده اند که فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

أنا مدينة العلم وعلی بابها، فمن أراد العلم فلیأت الباب؛

همانا من شهر علم هستم و علی دروازه آن است، پس هر که دانش بخواهد باید از دروازه وارد شود.

در حدیث دیگری جابر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أنا مدينة العلم وعلی بابها؛

من شهر دانش هستم و علی دروازه آن است.

\*\*\*

ابن عباس نیز در این زمینه حدیثی را از پیامبر نقل کرده است. او می گوید: من از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود:

أنا مدينة العلم وعليّ بابها، فمن أراد العلم فليأت الباب؛ (۱)

من شهر علم هستم و علی دروازه آن، پس هر که دانش بخواهد باید از دروازه وارد شود.

در این زمینه حضرت علی علیه السلام از پیامبر این گونه نقل می کند:

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

أنا دار الحكمة وعليّ بابها؛ (۲)

من خانه حکمت و دانایی هستم و علی دروازه آن است.

ص: ۴۳

- 
- ۱- برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار: ج ۱۰-۱۲
  - ۲- تحقیق و پژوهش کامل پیرامون این حدیث در نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار: ج ۱۰، ص ۳۲۱ انجام یافته است

### بخش سوم کمالات و فضایل اهل بیت علیهم السلام ...

#### اهل بیت علیهم السلام ساخته خداوندگار و مردم ساخته آنان ...

حضرت علی علیه السلام در نامه ای به معاویه چنین می نویسد:

إِنَّ قَوْمًا اسْتَشْهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ - وَلِكُلِّ فَضْلٍ - حَتَّى إِذَا اسْتَشْهَدَ شَهِيدُنَا، قِيلَ سَيِّدَ الشَّهَدَاءِ ...  
ولولا - ما نهى الله عنه من تزكية المرء نفسه لذكر ذاكر فضائل جمه، تعرفها قلوب المؤمنين، ولا - تمجها آذان السامعين، فدع  
عنك من مالت به الرمية؛ فإننا صنائع ربنا والناس بعد صنائع لنا...؛ (۱)

گروهی از مهاجران و انصار در راه خداوند شهید شدند- و هر کدام فضیلتی داشتند- تا آن که شهید ما (حضرت حمزه علیه السلام) شربت شهادت نوشید. پس به سرور و سالار شهیدان معروف شد و پیامبر خدا صلی الله علیه وآله هنگام نماز بر او شیوه خاصی را به کار برد

ص: ۴۴

\*\*\*

و هفتاد تکبیر را خواند.

مگر نمی بینی دست مردمان بسیاری در راه خداوند بریده شد و هر کدام فضیلت و مرتبتی داشتند؛ ولی هنگامی که یکی از ما (حضرت جعفر بن ابی طالب علیه السلام) همانند آنان شد طیار (پرواز کننده) در بهشت و صاحب دو بال نامیده شد.

اگر خداوند از خودستایی باز نداشته بود، فضیلت ها و خوبی های فراوانی را برمی شمردم که دل های مؤمنان با آن ها، آشناست و در گوش شنوندگان خوش آوا. پس آن چه را که در آن سودی نیست رها کن (و آب در غربال میماید)؛ چرا که ما ساخته و پرداخته پروردگاران هستیم و بعد از آن، مردم همگی ساخته و پرورده های ما هستند.

و این که ما و شما در آمیختیم و طرح خویشاوندی ریختیم، از شما دختر گرفتیم و به شما دختر دادیم و مانند همتا و برابر با شما رفتار کردیم، عزت و سربلندی دیرین و فضیلت ها و سرافرازی های پیشین را از ما باز نمی دارد، در حالی که شما چنین شأن و مقامی را ندارید ...

پس ما یک بار برای خویشاوندی با پیامبر، به خلافت سزاوارتریم و دیگر بار برای طاعت و فرمانبرداری (دستور پیامبر در پیروی از ما) برتریم.

\*\*\*

و آن گاه که مهاجران در سقیفه بر انصار به نزدیکی با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دلیل آورده و پیروز شدند پس اگر موجب برتری همان است حق با ماست، نه با شما و اگر به دلیل دیگری است، پس هم چنان انصار برترند و ادعایشان پابرجاست.

این نامه، برتری هایی از اهل بیت علیهم السلام را در بر گرفته است؛ برتری هایی با معانی ارزشمند که دارای راز بزرگی است که امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

إِنَّا صَنَاعُ رَبَّنَا وَالنَّاسُ بَعْدَ صَنَائِعِ لَنَا؛

ما ساخته و پرداخته پروردگاران هستیم و بعد از آن، مردم همگی ساخته و پرداخته ما هستند.

این جمله در نامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیعیان نیز آمده است، آن جا که می نگارد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَافَانَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْفِتَنِ ... وَنَحْنُ صَنَاعُ رَبَّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدَ صَنَائِعِنَا ...؛ (۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان

خداوند ما و شما را از شر بلاها و فتنه ها ایمن و عافیت بدارد، و روح

ص: ۴۶

\*\*\*

و حقیقت یقین را به ما و شما ببخشاید و ما و شما را از بدی عاقبت باز بدارد.

تردید بعضی از شما در دین به من رسیده است و از آن خبردار شده ام و هر دودلی و سرگردانی که درباره ولی امر و امامان به شما روی کند به خاطر شما، غمگین می شویم - نه برای خودمان - و موجب ناراحتی ما درباره شما می شود، نه درباره خودمان؛ زیرا خداوند همواره همراه ماست و با وجود او به غیر او نیازی نداریم و همواره حق و درستی همراه ماست. پس اگر کسی از ما عقب بماند ما را وحشت فرا نمی گیرد و همانا ما ساخته و پرداخته پروردگار خویشیم و تمامی مخلوقات پرورده ما هستند.

ای شیعیان دودل! شما را چه می شود که در شک و دودلی هستید و در سرگردانی به سر می برید، آیا نشنیده اید خداوند می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید! از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود اطاعت کنید.

ص: ۴۷

\*\*\*

آیا شما آثاری را که درباره امامانتان- درود و سلام بر گذشتگان و باقی ماندگان آنان باد- هست و ایجاد می شود به شما رسیده است، نمی دانید؟

آیا شما نمی بینید چگونه خداوند پناه گاه هایی برای شما قرار داد تا به آن ها پناه ببرید و علامت هایی که به وسیله آن ها هدایت شوید؛ از زمان حضرت آدم تا این که آخرین آن ها علیهم السلام پدیدار گشت؟! هر گاه پرچم و علامتی ناپدید گشت پرچم دیگری پدیدار شد و هر گاه ستاره ای خاموش شد، ستاره فروزان دیگری پدیدار شد.

در توضیح این سخن گهربار باید بگوییم که در واقع می فرمایند:

هیچ شخصی نعمتی بر ما ندارد، بلکه فقط خداوند بزرگ و با عظمت به ما نعمت داده است. پس بین ما و خداوند در نعمتی الاهی هیچ واسطه ای نیست و مردم از همه طبقات ساخته و پرداخته ما هستند. ما، بین مردم و خداوند واسطه هستیم، و ما هستیم که تمام نعمت ها را به مردم فرو می ریزیم، و ما بندگان خدا هستیم و مردم بندگان ما هستند.

آن حضرت با این گفتار به این معنا اشاره کرده است که «و هیچ گاه کسی که نعمت از او بر مردم جاری شده است با مردم مساوی و برابر نیست».

\*\*\*

شیخ کلینی رحمه الله در این زمینه روایتی را نقل کرده است که امام علیه الصلاه والسلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا فَأَحْسَنَ خَلْقَنَا، وَصَوَّرَنَا فَأَحْسَنَ صَوْرَنَا، وَجَعَلَنَا عَيْنَهُ فِي عِبَادِهِ وَلِسَانَهُ النَّاطِقَ فِي خَلْقِهِ ... وَبِعِبَادَتِنَا عُبِدَ اللَّهُ وَلَوْلَانَا نَحْنُ مَا عُبِدَ اللَّهُ؛ (۱)

همانا خداوند ما را آفرید پس به بهترین شکل آفرید و ما را به بهترین صورت پرداخت. ما را بین بندگانش چشم، و زبان گویای خود بین مردمان، و دست گشاده به رحمت و مهربانی بر بندگان خود، قرار داد، ما روی خداوند هستیم که به سویش رو کنند و بابتی که به او دلالت می کند، از جانب او همه چیز بخشیده و خزانه داران او در آسمان و زمین هستیم. به وسیله ما تمام درختان میوه دار می شود، و میوه ها رسیده می شود، و رودها روان می گردد و به وسیله ما خداوند باران آسمان را فرو می بارد و زمین گیاهانش را می رویاند و به عبادت ماست که خداوند پرستیده می شود و اگر ما نبودیم هیچ گاه خداوند پرستش نمی شد.

کوتاه سخن این که امامان از اهل بیت علیهم السلام نعمت الاهی بر

ص: ۴۹



تمام مخلوقات هستند و نعمت در این آیه به آنان تفسیر شده است:

«يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا»؛ (۱)

نعمت الاهی را می شناسند سپس آن را انکار می کنند. (۲) در آیه دیگر «نعیم» به آن بزرگواران تفسیر شده است:

«ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ»؛ (۳)

سپس در آن روز از نعمت پرسیده خواهید شد. (۴) آری، آنان واسطه های بین خداوند و تمام موجودات در آفرینش، علم، روزی و دیگر الطاف و بخشش های الاهی و نعمت ها هستند.

پس خداوند کننده ای است که تمام هستی از اوست و امام، کننده ای است که هستی به سبب اوست و این همان ولایت و سرپرستی کلیه است.

پس آیا می توان کسی را از این ائمت با خاندان حضرت محمد صلی الله علیه وآله مقایسه کرد و سنجید؟ و آیا می شود کسی از خلائق با آنان هم سطح و مساوی شود؟

ص: ۵۰

---

۱- . سوره نحل: آیه ۸۵

۲- . ر. ک: الصافی فی تفسیر القرآن: ۳۰۳

۳- . سوره تکاثر: آیه ۸

۴- . ر. ک: الصافی فی تفسیر القرآن: ۵۷۳

### اهل بیت علیهم السلام و مقام عصمت ...

ناآلودگی و مصونیت از گناه از مهم ترین ویژگی های بارز در هر امام و پیامبر است که بر این امر دلیل های فراوانی از قرآن، سنت پیامبر و عقل بیان شده است. واضح ترین آیه قرآن در این باره آیه ای است که می فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (۱)

از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود اطاعت کنید.

این آیه به گونه ای روشن بیان گر عصمت است؛ تا جایی که فخر رازی و دیگر شک پردازان به دلالت آن اعتراف نموده اند؛ زیرا فرمانبری از کسی که اشتباه و آلودگی در او راه دارد، به صورت همه جانبه هرگز روا و شایسته نیست.

امیر مؤمنان علی علیه السلام گفتاری در شأن و مقام خاندان پیامبر علیهم السلام دارد که ائیت اسلامی را به پیروی و فرمانبرداری از آنان در همه حال دستور می دهد، آن جا که می فرماید:

انظروا اهل بیت نبیکم، فالزموا سمتهم واتبعوا اثرهم، فلن یخرجوکم من هیدی ولن یعیدوکم فی ردی، فإن لبدوا فالبدوا، وإن نهضوا فانهضوا، ولا تسبقوهم فتضلوا،

ص: ۵۱

\*\*\*

ولا تتأخروا عنهم فتهلكوا؛ (۱)

و به اهل بیت پیامبرتان نیک بنگرید، از آن سو که گام برمی دارند، حرکت نمایید و قدم جای قدمشان بگذارید، آن ها هرگز شما را از راه هدایت بیرون نمی برند و به پستی و هلاکت باز نمی گردانند. پس هر گاه سکوت کردند و خاموش بودند، خاموش باشید و هر گاه برخاستند برخیزید، از آن ها پیشی نگیرید که گمراه می شوید و از آنان عقب نمانید که به نابودی و هلاکت دچار می شوید.

به راستی چگونه اهل بیت علیهم السلام پاک و مصون از اشتباه نیستند در حالی که آن سان که امیر مؤمنان علی علیه السلام خبر داده قلب و جانشان در بهشت است. آیا قلبی که در بهشت باشد فکر اشتباه و گناه از آن می گذرد تا چه رسد به اراده و انجام آن؟ آیا چنین قلبی دچار غفلت و فراموشی و تردید و دودلی می شود؟ آیا این مصونیت از اشتباه، همان سفارشی نیست که درباره لازمه امامت و مهتری است؟

آری، پیامبر صلی الله علیه و آله همانند سفارشی که درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن سابق کرده و بعد از خودش به امت دستور داده است که از او پیروی کنند، درباره عمار نیز سفارش کرده است؛ هنگامی که او را به پیروی از حضرت علی علیه السلام در تمام

ص: ۵۲

\*\*\*

اتفاقات و وقایع بعد از خودش و در هر حالتی فرا خواند.

گروهی از دانشمندان بزرگ روایتی را از علقمه بن قیس و اسود بن یزید نقل کرده اند. آن دو می گویند:

ابوایوب انصاری از جنگ صفین بازگشت. ما نزد او رفتیم و به او گفتیم: ای ابوایوب! خداوند تو را گرامی داشت که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به خانه تو نزول اجلال داد و شترش کنار خانه تو خوابید. این لطف و مرحمتی از جانب خداوند و برای بزرگداشت تو بود، تا آن که به در خانه تو ایستاد و تمام مردم را رها نمود، حال تو با شمشیر آمده ای و مسلمانان توحیدگوی را می کشی؟

ابوایوب گفت: فلانی! هیچ گاه راهبر به مردمش دروغ نمی گوید، مسلم است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما دستور داد همراه علی علیه السلام با سه گروه بجنگیم: ناکثین، قاسطین و مارقین.

ما با ناکثین که همان یاران جمل و طلحه و زبیر بودند جنگ نمودیم و آنان را کشتیم، و اینک از جنگ با قاسطین، معاویه و عمروعاص می آییم؛ مارقین که همان صاحبان درختان گز و تنه های درخت خرما و درختان سبز خرما و یاران نهروان هستند، به خداوند سوگند! نمی دانم کجا هستند؟ ولی به یقین اگر خداوند بزرگ بخواهد به جنگ با آن ها خواهیم رفت.

آن گاه گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به عمار

\*\*\*

می فرمود:

یا عمار! تقتلك الفئة الباغية، وأنت إذ ذاك مع الحقّ والحقّ معك.

یا عمار بن یاسر! إن رأیت علیاً قد سلک وادياً وسلک الناس کلّهم وادياً غیره، فاسلک مع علی، فإنّه لن یدلیک فی ردی، ولن یخرجک من هدی.

یا عمار! من تقلّد سیفاً وأعان به علیاً - رضی الله عنه - علی عدوّه قلّده الله یوم القیامه وشاحین من درّ، ومن تقلّد سیفاً أعان به عدوّ علی - رضی الله عنه - قلّده الله یوم القیامه وشاحین من نار؛

ای عمار! گروه ستمگر تو را خواهند کشت و تو در آن زمان همراه حق هستی و حق نیز همراه توست.

ای عمار پسر یاسر! هر گاه دیدی که علی در مسیری می رود و تمامی مردمان در مسیر دیگری غیر از راه علی در حرکتند پس فقط با علی همراه شو. زیرا او هیچ گاه تو را به هلاکت نمی اندازد و از راه درست و هدایت خارج نمی سازد.

ای عمار! هر که شمشیری به گردن آویزد و علی را با آن بر دشمن او یاری رساند، خداوند روز قیامت دو گردنبنده زیبا از درّ بر گردن او می آویزد و هر که شمشیری بر گردن بگیرد و به دشمن علی یاری رساند، خداوند روز قیامت دو گردنبنده آتشین بر گردن او می نهد.

ما گفتیم: ای ابایوب! بس است خداوند به تو رحمت کند، کافی است، خداوند به تو رحمت کند. (۱)

### پایه های دین و هدایت گران مردمان ...

امیر مؤمنان علی علیه السلام خاندان محمد علیهم السلام را این گونه توصیف فرموده است:

هم أساس الدین و عماد الیقین؛

آنان پایه استوار دین و ستون محکم یقین هستند.

این عبارت بعد از این گفتار آمده است که فرمود:

هم موضع سرّه، إلیهم ینفیء الغالی و بهم یلحق التالی لا یقاس بآل محمد علیهم السلام من هذه الامه أحد؛ (۲)

آنان جایگاه اسرار خداوندی هستند، افراط گران باید به سوی آنان برگردند و عقب ماندگان باید خود را به آنان برسانند، کسی از این امت با خاندان محمد علیهم السلام مقایسه نمی شود.

گویی منظور حضرت این است که به راستی کسانی که دارای این ویژگی ها هستند و به این فضایل و برتری ها رسیده اند همان ها اساس

ص: ۵۵

- 
- ۱- تاریخ بغداد: ۱۳/۱۸۶-۱۸۷، فرائد السمطین: ۱/۱۷۸، کنز العمال: ۱۲/۲۱۲، مناقب خوارزمی: ۷۵/۱۲۴، و آن چه نقل شد، طبق نقل تاریخ بغداد بود
  - ۲- نهج البلاغه: ۴۷

دین و ستون یقین هستند. افراط گران باید به سوی آنان برگردند و عقب ماندگان باید خود را به آنان برسانند.

امیر سخن در جای دیگری می فرماید:

هم دعائم الإسلام وولائج الإعتماد، بهم عاد الحقّ إلى نصابه، وانزاح الباطل عن مقامه، وانقطع لسانه عن منبته؛ (۱)

آنان ستون های محکم اسلام و پناه گاه های امید به لطف خدا هستند و به وسیله آنان حق و درستی به جایگاه خود باز می گردد و باطل از مقام خود به پایین کشیده می شود و زبانش از ریشه قطع می گردد.

حضرت علی علیه السلام در جای دیگر خاندان پیامبر را این گونه توصیف می نماید:

هم أزمه الحقّ وأعلام الدين وألسنه الصدق، فأنزلوهم بأحسن منازل القرآن، وردوهم وروء الهيم العطاش؛ (۲)

آنان زمامداران حق و درستی، پیشوایان دین و زبان های راست گو و حقیقت هستند، پس همانند قرآن، آنان را به بهترین احترام و منزلگاه فرود آورید و به سان تشنگان سرگردان با اشتیاق چشم حیات به آنان رو کنید.

ص: ۵۶

---

۱- همان: ۳۵۷

۲- همان: ۱۱۸

در این فراز والا چند عبارت قابل توضیح است:

۱. «افراط کاران و غالیان به آنان باز می گردند و عقب ماندگان به آن ها باید برسند».

منظور از این عبارت، یعنی که اهل بیت علیهم السلام میزان سنجش بین تندروی و کندروی در دین هستند و شاید این معنا همان معنای توصیف اهل بیت علیهم السلام باشد که در روایت آمده است که فرمودند:

ما جایگاه معتدلی هستیم که هیچ گاه افراط گران با ما نیستند و هیچ رونده ای از ما پیشی نمی گیرد. (۱) ۲. «آنان زمامداران حق هستند».

منظور این است همواره و در هر حال حق با آن هاست، هر جای که بگردند حق با آنان به چرخش درمی آید و همواره پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله درباره امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمودند:

علی مع الحقّ والحقّ مع علی، یدور معه حیث دار، ولن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض؛ (۲)

ص: ۵۷

---

۱- . الکافی: ۱ / ۱۰۱۰

۲- . از جمله راویان این حدیث خطیب بغدادی در تاریخ بغداد: ۱۴ / ۳۲۱، و هیشمی در مجمع الزوائد: ۷ / ۲۳۶ است



\*\*\*

علی با حق و درستی است و درستی و حق همواره با علی است؛ هر جای که برود او همراهش هست و هرگز از هم جدا نخواهند شد تا این که در کنار حوض به نزد من خواهند رسید.

آن گاه امیر مؤمنان علی علیه السلام آن بزرگواران را به زبان گویای راستی وصف می کند و در واقع که آیه شریفه ذیل را به آن بزرگواران تفسیر می نماید، آن جا که می فرماید:

«وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ»؛ (۱)

و برای من در مردمان آینده زبان راستی قرار بده.

### جایگاه و مقام اهل بیت ...

عليهم السلام

### همانند منزلت قرآن ...

۳. «آنان را به بهترین منزلت ها و مقام های قرآنی فرود آورید».

از این عبارت دو معنا می توان اراده کرد:

معنای یکم: آنان را به همان جایگاه های نیکویی که قرآن را قرار می دهید- مثل اطاعت و احترام قرآن- قرار دهید.

معنای دوم: برای آنان بهترین جایگاهی را که قرآن برایشان در نظر گرفته است، قرار دهید؛ جایگاه هایی که شامل موارد ذیل است:

۱. ولایت. آن سان که می فرماید:

ص: ۵۸

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ (۱)

سرور و مهتر شما تنها خداوند و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند؛ همان کسانی که نماز را برپا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.

۲. پاکی و ناآلودگی، آن جا که می فرماید:

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»؛ (۲)

خداوند می خواهد آلودگی را فقط از شما خاندان پیامبر بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

۳. فرمانبرداری و پیروی همه جانبه، آن جا که می فرماید:

«أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»؛ (۳)

از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر و اولی الامر خود اطاعت کنید.

۴. دوستی و مهرورزی، آن جا که می فرماید:

ص: ۵۹

---

۱- . سوره مائده: آیه ۶۰

۲- . سوره احزاب: آیه ۳۳

۳- . سوره نساء: آیه ۶۲

\*\*\*

«قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»؛ (۱)

بگو: از شما هیچ اجر و مزدی نمی خواهم مگر دوستی و مهرورزی به نزدیکانم.  
و مقامات و مراتب دیگری که قرآن برای خاندان پیامبر علیهم السلام برمی شمارد.

### نکاتی مهم ...

در این گفتار چند نکته مهم را باید یادآور شویم:

۱. ماندگاری اسلام به ماندگاری اهل بیت علیهم السلام است.

دین، تا زمانی برقرار است که اهل بیت علیهم السلام باشند. پس آنان ضامن ماندگاری دین و یقین هستند و هستی این دو به آنان نیازمند است، همان گونه که ماندگاری ساختمان به ستون و پایه نیازمند است.

شاید همین معنای عبارتی باشد که فرمود: «آنان، پایه ها و کوه های دین هستند».

۲. زمین هیچ گاه از آنان خالی نخواهد بود

زیرا خداوند متعال، جاودانگی را بر دین و آیین خود نوشته است و آنان، نشان گران و پرچم های هدایت به سوی آن هستند.

ص: ۶۰

\*\*\*

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن دیگری می فرماید:

ألا إنَّ مثل آل محمّد عليهم السلام كمثل نجوم السماء، إذا خوى نجم طلع نجم؛ (۱)

بدانید و آگاه باشید! خاندان محمّد علیهم السلام مانند ستارگان آسمان هستند که هر گاه ستاره ای افول نماید، ستاره دیگری طلوع می کند.

امیر سخن در سخن دیگر به روشنی درباره ماندگاری آنان تا زمانی که زمین پابرجاست سخن رانده است:

اللهم بلی، لا- تخلو الأرض من قائم لله بحجّه، إمّا ظاهراً مشهوراً وإمّا خائفاً مغموراً، لئنّا تبطل حجج الله وبيّناته، وكم ذاء، وأین اولئک؟ أولئک- والله-. الأقلون عدداً، والأعظمون عند الله قدراً، يحفظ الله بهم حججه وبيّناته، حتّى یودعوها نظراءهم، ویزرعوها فی قلوب أشباههم، أولئک خلفاء الله فی أرضه، والدعاه إلى دینه، آه آه شوقاً إلى رؤیتهم؛ (۲)

آری، زمین از کسی که حجّت برپای خداوند است، تهی نماند که یا پدیدار و شناخته شده است و یا ترسان و پنهان از دیده ها، تا هیچ گاه حجّت های خداوند باطل نشود و نشانه هایش از میان نرود و اینان

ص: ۶۱

---

۱- . نهج البلاغه: ۱۴۶

۲- . همان: ۲۹۷

چند نفرند و کجا جای دارند؟

به خداوند سوگند! آنان در شماره اندکند و در نزد خدا بزرگ مقدار که خداوند حجّت ها و نشانه های خود را به آنان، نگهبانی می کند، تا به همانندهای خویش بسپارند و در دل های همانندگانشان بکارند (و به آنان تحویل دهند) ... اینان جانشینان خداوند در زمین هستند و مردم را به دین راستین او فرا می خوانند، آه! چقدر آرزومند و مشتاق دیدار آنان هستم.

حافظ ابن حجر عسقلانی در این زمینه گوید:

«و این روایت که حضرت عیسی پشت سر یک نفر از این امت در آخر الزمان نماز به جای می آورد، دلالت به نظر درست و اقوال صحیحی دارد که هیچ گاه زمین از حجّت پابرجای الاهی خالی نخواهد ماند». (۱) ۳. همواره پرسش ها (۲) و حرکت ها از آن ها و به سوی آن ها باید باشد. (۳)

ص: ۶۲

۱- . فتح الباری: ۳۸۵ / ۶

۲- . اشاره ای است به آیه شریفه ای که می فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

۳- . اشاره ای است به آیه شریفه ای که می فرماید: «فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ»

\*\*\*

از این رو حضرت می فرماید:

مانند شتران تشنه و سرگردان که روی به آبشخور می نهند به آنان روی کنید.

تمامی این نکات از معانی «حدیث الثقلین» - که هر دو گروه مسلمانان به صورت همه گیر و متواتر نقل کرده اند- می تواند باشد، همان گونه به آن اشاره خواهیم کرد.

### ستارگان هدایت ...

حضرت علی علیه السلام در این گفتار اهل بیت علیهم السلام را به ستارگان آسمان تشبیه کرده است. این تشبیه به حدیثی صحیح از پیامبر اشاره دارد که احمد بن حنبل و دیگر عالمان اهل سنت روایت کرده اند.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

النجوم أمان لأهل السماء، فإذا ذهب النجوم ذهب أهل السماء، وأهل بيتي أمان لأهل الأرض، فإذا ذهب أهل بيتي ذهب أهل الأرض؛ (۱)

ستارگان امان و مصونیت اهل آسمان هستند، پس هر گاه ستارگان از بین بروند، آسمانی ها نیز از بین می روند و خاندان من مصونیت

ص: ۶۳

\*\*\*

و امان زمینی ها هستند. پس هر گاه از بین بروند تمام زمینی ها نیز از بین می روند.

جلال الدین سیوطی گوید: حاکم نیشابوری از ابن عباس روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق، وأهل بيتي أمان لأمتي من الإختلاف، فإذا خالفتها قبيلة اختلفوا، فصاروا حزب إبليس؛ (۱)

ستارگان مصونیت زمینیان از غرق شدن هستند و اهل بیت من مصونیت امت اسلامی از اختلاف و دو دستگی هستند، پس هر گاه گروهی با آنان مخالفت نماید دچار ناسازگاری و اختلاف می شوند و به حزب شیطان می پیوندند.

گواه این تشبیه آیه ای است که می فرماید:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»؛ (۲)

او همان است که ستارگان را برای شما آفرید تا به وسیله آن در تاریکی های خشکی و دریا راه پیمایید و به درستی هدایت شوید.

ص: ۶۴

---

۱- .احیاء المیت: حدیث ۲۹

۲- .سوره انعام: آیه ۹۷

در روایتی در تفسیر آیه آمده است که امام علیه السلام فرمود:

النجوم آل محمد عليهم السلام؛ (۱)

منظور از ستارگان، خاندان محمد عليهم السلام هستند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «یا ترسان دور از نظر هاست».

این سخن به حضرت مهدی از خاندان محمد عليهم السلام اشاره دارد، همو که «خداوند زمین را به وسیله او از دادگستری و عدل پر می نماید، بعد از این که از جور و بیداد پر شده است».

این موضوع از مطالب روشن و ضروری است و دلیل های فراوان و کتاب های بی شماری درباره ایشان نگاشته شده است. (۲)

### اهل بیت عليهم السلام و اقامه لوازم امامت و مهتری ...

امامان از اهل بیت عليهم السلام لوازم امامت را به خوبی برپا نمودند که همان نگهداری دین و پاسداشت و آموزش آن و نیز دعوت به سوی آن بود. حضرت علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

بنا اهتديتم في الظلماء، وتسنمتم ذروه العلياء، وبنا أفجرتم عن السرار؛ (۳)

ص: ۶۵

---

۱- الصافي في تفسير القرآن: ۱۷۹

۲- ر. ك: منتخب الأثر، كشف الاستار، المحجّه فيما نزل في القائم الحجّه

۳- نهج البلاغه: ۵۱



\*\*\*

فقط به وسیله ما در تاریکی ها راهنمایی و هدایت شدید و به قله های خوبی و صفات نیکو راه بردید و به کمک ما از تاریکی ها به روشنایی راه پیمودید.

یعنی به وسیله ما از تاریکی های نادانی و گمراهی به روشنایی دانش و هدایت راه پیمودید و به همین معنا در جای دیگر فرموده اند:

بنا يستعطى الهدى ويستجلى العمى؛ (۱)

هدایت تنها به وسیله ما بخشیده می شود و تاریکی ها و کوری ها از بین می رود و روشن می گردد.

کلینی رحمه الله روایتی را در تفسیر آیه شریفه ذیل نقل می کند، آن جا که می فرماید:

«وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ»؛ (۲)

و از آفریدگان ما گروهی هستند که به حق و راستی هدایت می نمایند و فقط به حقیقت راه می پیمایند.

حضرت فرمودند:

هم الأئمة صلوات الله عليهم؛ (۳)

منظور از ائمت (در این آیه) همان امامان علیهم السلام هستند.

ص: ۶۶

---

۱- همان: ۲۰۱

۲- سوره اعراف: آیه ۱۸۱

۳- الصافی فی تفسیر القرآن: ۳۰۹

\*\*\*

در روایتی امام صادق علیه السلام می فرماید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمودند:

إِنَّ عِنْدَ كُلِّ بَدْعَةٍ تَكُونُ مِنْ بَعْدِي يُكَادُ بِهَا الْإِيمَانُ وَلَيْتَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي مَوْكَلًا بِهِ، يَذَبُّ عَنْهُ، وَيَنْطِقُ بِأَلْهَامِ مِنَ اللَّهِ، وَيَعْلَنُ الْحَقَّ وَيُنُورُهُ، وَيُرَدُّ كَيْدَ الْكَاذِبِينَ...؛ (۱)

همانا نزد هر بدعت و فتنه ای که ایمان و اعتقاد انسان ها را نزدیک است از بین ببرد، امامی از خاندانم قرار دارد؛ در حالی که وکیل بر آن است و از حق دفاع می نماید و به مدد الهام الاهی به زبان می آید و مسیر حق را روشن و نورانی می نماید و مکر تمام مکاران را باز می گرداند.

و چقدر مصادیق این معنا بسیار است!؟

آری، کسانی که لباس خلافت و ریاست را به زور به تن کردند و بر تمام کارها و برنامه های مسلمانان چیره شدند، همواره در مشکلات و سؤالات سخت به امامان از خاندان پیامبر مراجعه می کردند. حافظ نووی در زندگی نامه امیر مؤمنان علی علیه السلام می نویسد:

بزرگان صحابه و یاوران پیامبر از او مسائل را می پرسیدند و در موقعیت های بسیاری و سؤالات مشکل به فتاوی او

ص: ۶۷

و گفتارش رجوع می کردند و از او جواب می خواستند و این موضوع مشهوری است. (۱)

### اهل بیت علیهم السلام و دفاع از حریم دین الاهی ...

هم چنین بزرگان اهل سنت در زندگی نامه دیگر امامان از اهل بیت علیهم السلام گفته اند:

آنان همواره گمراهی و تزویر افراط گران، افکار ابطال گران، تفسیر و معنای بی دلیل نادانان و شبهات کفرورزان و ملحدان را به صورت کامل از چهره دین الاهی می زدودند.

احتجاج و مناظرات اهل بیت علیهم السلام، با مخالفان و دیدگاه ها و موضع گیری ها روشن آنان در نگهداری و پاسداشت دین، در کتاب های حدیث شناسان و تاریخ نویسان نگارش یافته است و کاملاً پیداست.

گروهی از دانشمندان اهل سنت از جمله ابن حجر مکی در الصواعق المحرقة در زندگی نامه امام حسن عسکری علیه السلام چنین می نویسد:

هنگامی که معتمد پسر متوکل آن حضرت را در زندان انداخت خشک سالی سختی پیش آمد. پس همه مسلمانان سه روز برای طلب باران به بیابان رفتند، ولی باران نیامد.

ص: ۶۸

\*\*\*

در این هنگام مسیحیان به همراه راهب بزرگشان به بیابان رفتند.

همین که راهب دست خود را به سوی آسمان بلند کرد، آسمان ابری شد و در همان روز اول، باران بارید روز دوم نیز چنین شد. از این رو برخی از مسلمانان نادان در دین خود به شک افتاده و برخی دیگر مرتد شدند.

این وضعیت بر معتمد خلیفه وقت گران آمد. از این رو دستور داد تا امام حسن عسکری علیه السلام را حاضر کردند و گفت: اُمّت جدّت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را دریاب پیش از آن که به هلاکت درافتند.

آن حضرت فرمودند: تمام یاران و شیعیان مرا از زندان آزاد کن!

معتمد همه یاران آن حضرت را آزاد کرد. هنگامی که راهب با همراهان خود به طلب باران دست به آسمان بلند کرد، آسمان ابری شد.

امام به شخصی دستور داد که آن چه در دست اوست بگیرد و بیاورد.

ناگاه دیدند استخوان انسانی در دست او بود. پس از دست او آن را گرفت و به او فرمود:

حال برو و طلب باران کن!

او دستانش را به سوی آسمان بلند کرد. پس هر چه ابر در آسمان بود از بین رفت و آفتاب نمایان شد. مردم از این امر در شگفت شدند.

معتمد گفت: ای ابامحمد! این چیست؟

حضرت فرمود: این استخوان پیامبری است که این راهب مسیحی به دست آورده است و هر گاه استخوان پیامبر زیر آسمان هویدا

\*\*\*

شود، آسمان ابری و بارانی می شود.

بدین وسیله شبهه و سؤال از مردم دور شد و امام حسن عسکری علیه السلام به خانه خودشان باز گشتند. (۱) آری، این مقام و جایگاه خاندان پیامبر و این منزلت آن بزرگواران است. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید: - و ما نیز هم صدا با آن به تمام مسلمانان می گوئیم:-

فأین تذهبون وأنی توفکون والأعلام قائمه والآیات واضحه والمنار منصوبه؟ ... ألم أعمل فیکم بالثقل الأكبر وأترک فیکم الثقل الأصغر؛ (۲)

پس به کدام سوی می روید! و به کدام سوی می شتابید! در حالی که تمام نشانه ها و علامت های هدایت برپاست و تمام آیات و جلوه های آن روشن است و مناره آن مشخص و پابرجاست؟

پس به کجای گمراه می شوید و چگونه هیچ نمی بینید در حالی که خاندان پیامبر بین شما هستند و آنان پیشوایان حق هستند و بزرگان دین و زبان گویای راستی و درستی هستند. پس آنان را به بهترین جایگاه ها و مقام های قرآنی فرود آورید و مانند شتران تشنه و

ص: ۷۰

---

۱- .الصواعق المحرقة: ۲/ ۶۰۰

۲- .مسند احمد: ۳/ ۱۴

\*\*\*

جگرتافته به محضر زلال آنان بشتابید ... آیا من همواره در بین شما به ثقل اکبر عمل نمودم و ثقل اصغر را میان شما بر جای نگذاشتم؟

### اهل بیت علیهم السلام یکی از دو ثقل گران بها ...

حضرت علی علیه السلام در پایان این گفتار به «حدیث ثقلین» که به صورت متواتر از سوی شیعه و سنی نقل شده است (۱) اشاره می فرمایند.

احمد بن حنبل از ابی سعید خدری این گونه روایت می کند:

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ، أَحَدُهُمَا أَكْبَرُ مِنَ الْآخَرِ: كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، حَبْلُ مَمْدُودٍ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ، وَعِترتي أَهْلُ بَيْتِي، أَلَا إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرَقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ؛ (۲)

من در میان شما دو بار گران بها به جای گذاشتم، یکی از آن ها از دیگری بزرگ تر است: قرآن کتاب خداوند عزوجل که ریسمان کشیده شده از آسمان به سوی زمین و دیگری خاندان و اهل بیتم.

پس آگاه باشید! این دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا آن که کنار حوض نزد من می آیند.

ص: ۷۱

---

۱- درباره این حدیث از جهت سند و دلالت طی سه جلد از کتاب بزرگ نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار تحقیق و پژوهش گسترده ای شده است

۲- . مسند احمد: ۳/ ۱۴

\*\*\*

در حدیث دیگری که ترمذی از جابر روایت کرده است، جابر گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله را در روز عرفه در حال حج دیدم که بر شتر قصوای خود سوار بود و سخنرانی می کرد، شنیدم که می فرمود:

یا أيها الناس! إننی ترکْتُ فیکم ما إن أخذتم به لن تضلُّوا:

کتاب الله وعترتی اهل بیته؛ (۱)

ای مردم! من دو چیز میان شما باقی گذاشتم، هر گاه به آنان چنگ بزنی هیچ گاه گمراه نخواهید شد: قرآن و خاندان و اهل بیتم.

و نیز زید بن ارقم نقل می کند: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

إننی تارک فیکم ما إن تمسَّیَکتُم به لن تضلُّوا بعدی، أحدهما أعظم من الآخر: کتاب الله جبل ممدود من السماء إلى الأرض، وعترتی اهل بیته، ولن یتفرقا حتّی یردا علی الحوض، فانظروا کیف تخلفونی فیهما؛ (۲)

همانا من در میان شما چیزی به جای گذاشته ام که اگر به آن متمسک شوید هیچ گاه بعد از من گمراه نخواهید شد، یکی از آن ها از دیگری بزرگ تر است: کتاب خداوند که ریسمان کشیده شده بین آسمان تا زمین است و خاندان و اهل بیتم که هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا

ص: ۷۲

---

۱- صحیح ترمذی: ۲/ ۲۱۹

۲- همان: ۲/ ۲۲۰

\*\*\*

آن که در کنار حوض بر من وارد می شوند. پس نیک بنگرید و دقت نمایید چگونه بعد از من آنان را پاسداری و نگهداری می نماید.

حدیث دیگری را حاکم نیشابوری از زید بن ارقم روایت کرده است. زید گوید: هنگامی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آخرین حج خود را انجام دادند و به مدینه باز می گشتند در غدیر خم فرود آمدند و امر فرمودند که زیر درختان آن جا را جاروب کردند. آن گاه فرمودند:

كأني قد دعيت فأجبت، إني قد تركت فيكم الثقلين أحدهما أكبر من الآخر: كتاب الله تعالى وعترتي، فانظروا كيف تخلفوني فيهما، فإنهما لن يتفرقا حتى يردا على الحوض؛

گویا به سوی خدا فرا خوانده شده ام و من نیز دعوت او را پذیرفتم.

پس من در میان شما دو چیز گران بها به جای گذاشتم، یکی از آن ها از دیگری بزرگ تر است: کتاب خدا قرآن و خاندانم اهل بیت، پس نیک بنگرید چگونه بعد از من از آن ها پاسداری می نمایید، پس آن دو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا آن که نزد حوض بر من حاضر شوند.

آن گاه فرمودند:

الله عز وجل مولاي، وأنا مولى كل مؤمن؛

خداوند عز وجل سرور و مولای من است و من سرور و مولای تمام مؤمنان هستم.



\*\*\*

سپس دست علی علیه السلام را گرفتند و فرمودند:

هر که من سرور و مولای او هستم، پس این (علی) مولا- و سرور اوست. خداوندا! هر آن که او را سرور و مولا قرار دهد، سرپرستی کن و هر که با او دشمنی ورزد، با او دشمن باش!

حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث بنابر مبنای بخاری و مسلم صحیح است. (۱)

### اهل بیت علیهم السلام و پرچم های برافراشته حق ...

«اهل بیت علیهم السلام پرچم حق هستند هر کس از آنان پیش بیافتد از دین خارج شده است و هر کس از آنان سرپیچی کند گمراه گشته است.»

منظور از چنگ انداختن به خاندان پیامبر، همان پیروی و سرسپردگی به دستورات آن ها و راه یابی به هدایت آنان و آموختن از آن بزرگواران است و از این رو هر که از آنان پیشی گیرد، گمراه می شود و هر که عقب بماند به هلاکت می افتد. حضرت علی علیه السلام می فرماید:

لا تسبقوهم فتصلوا ولا تتأخروا عنهم فتهلكوا؛ (۲)

هیچ گاه از آنان پیشی نگیرید؛ زیرا گمراه می شوید و هیچ گاه از آنان عقب نیفتید، پس نگون بخت و هلاک می شوید.

ص: ۷۴

---

۱- .المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۰۹

۲- . نهج البلاغه: ۱۴۳

امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن دیگر در توصیف اهل بیت علیهم السلام می فرماید:

وخلّف فینا رایه الحق، من تقدّمها مرق، ومن تخلف عنها زهق، ومن لزمها لحق؛ (۱)

و در میان ما پرچم برافراشته حق را به ارث گذاشت، که هر کس از آن پیشی بگیرد از دین خارج می شود و هر که از آن روی گردان شود به هلاکت می رسد و هر کس ملازم آن باشد، به ما خواهد پیوست.

البته پیش از این پیامبر صلی الله علیه وآله امت را در پیشی گرفتن و عقب افتادن از اهل بیت علیهم السلام باز داشته بود. پس در هر دو جهت، گمراهی و هلاکت است که این دو جهت در برخی از جملات و نقل های «حدیث ثقلین» آمده است.

در سخن دیگری پیامبر صلی الله علیه وآله خاندانش را به کشتی نوح علیه السلام تشبیه فرموده است. (۲) در این زمینه احمد بن حنبل روایتی را از ابوذر چنین نقل می کند:

ابوذر در حالی که دست در درگاه کعبه داشت گفت: از

ص: ۷۵

---

۱- . همان: ۱۴۶

۲- . گفتنی است که درباره حدیث سفینه در کتاب نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار مفصل بحث کرده ایم

\*\*\*

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود:

ألا إنَّ مثل أهل بيتي فيكم مثل سفينة نوح، من ركبها نجا، ومن تخلف عنها هلك؛ (۱)

بدانید و آگاه باشید! خاندان من در میان شما همانند کشتی نوح هستند هر که سوار آن شود، نجات پیدا می کند و هر که روی گردان شود به هلاکت و نگون بختی می رسد.

ابن حجر مکی درباره «حدیث سفینه» می گوید:

این حدیث با سندهای متعددی نقل شده که برخی از اسناد، برخی دیگر را تقویت می نمایند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

إنَّما مثل أهل بيتي كمثل سفينة نوح، من ركبها نجا؛

همانا خاندان من مانند کشتی نوح هستند، هر که بر آن سوار شود، نجات می یابد.

در روایت مسلم آمده است:

... ومن تخلف عنها غرق؛

و هر که از آن روی گردان شود، غرق می گردد.

و در روایتی دیگر آمده است: هلاك مي گردد. (۲)

ص: ۷۶

---

۱- . المشکات: ۵۲۳

۲- . الصواعق المحرقة: ۲۳۴

### اهل بیت علیهم السلام و حق سروری و مهتری ...

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

ولهم خصائص حق الولاية وفيهم الوصية والوراثة؛ (۱)

ویژگی های خاصی تنها در آنان است: حق سروری و ولایت و وصیت و وراثت پیامبر نیز در میان آن هاست.

یعنی امامت شرایط و ویژگی هایی دارد که در غیر آنان وجود ندارد که به سه ویژگی مهم اشاره می نمایم:

#### ۱. عصمت

روشن شد که در امت اسلامی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله جز اهل بیت علیهم السلام هیچ معصومی وجود ندارد.

#### ۲. علم و دانش

هم چنین روشن شد که آنان جایگاه دانش الهی هستند و تمامی مردم در این موضوع از آنان بهره می گیرند.

#### ۳. وصیت و وراثت

هیچ کس در این مطلب اختلافی ندارد که همواره امیر مؤمنان علی علیه السلام وصی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله بود.

ص: ۷۷

\*\*\*

در این زمینه روایت های بسیار زیادی نقل شده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله از آغاز رسالت آن را اعلام کرده است؛ در حدیث دار و در «یوم الانذار» آمده است که آن حضرت به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود:

إِنَّ هَذَا أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فَيَكُم؛

همانا این (علی بن ابی طالب) برادرم و وصی من و جانشین من در میان شماست.

البته امامان بعد از او نیز یکی پس از دیگری وصی هستند.

آنان میراث دار پیامبرند؛ در جانشینی و سروری، دانش و دارایی.

در این زمینه درباره امام علیه السلام روایات بسیاری نقل شده است تا جایی که اقرار برخی از یاران پیامبر را نیز روایت کرده اند.

در روایتی آمده است: از قثم بن عباس پرسیدند: چگونه علی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ارث می برد، ولی شما ارث نمی برید؟

پاسخ داد: زیرا او نخستین فرد از ماست که به پیامبر پیوست و از همه ما بیشتر همراه او بود. (۱)

ص: ۷۸

---

۱- . برای آگاهی بیشتر درباره حدیث وصیت و میراث داری، با سندهای اهل سنت ر. ک جلد سوم کتاب تشیید المراجعات و تفنید المکابرات از همین نگارنده

### اهل بیت علیهم السلام و شایستگی سروری و امامت ...

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ، فَإِنَّ شَغْبَ شَاغِبٍ اسْتَعْتَبَ، فَإِنَّ أَبِي قَوْلٌ؛ (۱)

همانا سزاوارترین مردم به امر خلافت و مهتری کسی است که قوی ترین آن ها بر آن و داناترین آنان به دستورات الهی باشد. پس اگر گمراه کننده ای از نادانی هیاهو کند سرزنش می شود و اگر سر باز زند با او به جنگ و کارزار می پردازند.

بنابر آن چه گذشت دانستی که چه کسی قوی ترین فرد بر خلافت و داناترین آنان به دستورات الهی و نیز نزدیک ترین آنان به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله است؟ امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

فَنَحْنُ مَرَّةً أَوْلَىٰ بِالْقُرَابَةِ وَتَارَةً أَوْلَىٰ بِالطَّاعَةِ؛ (۲)

پس ما از جانبی به جهت خویشاوندی و نزدیکی به پیامبر برتریم و از جانبی به جهت پیروی از آن حضرت والاتریم.

و در جای دیگری می گوید:

أَمَّا الْإِسْتِبْدَادُ عَلَيْنَا بِهَذَا الْمَقَامِ - وَنَحْنُ الْأَعْلَوْنَ نَسَبًا

ص: ۷۹

---

۱- نهج البلاغه: ۲۴۷

۲- همان: ۳۸۶

\*\*\*

وَالْأَشْدُونَ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَوَاطًا - فَإِنَّهَا كَانَتْ أَثْرَهُ، سَخَتْ عَلَيْهَا نَفُوسُ قَوْمٍ، وَسَخَتْ عَنْهَا نَفُوسُ آخِرِينَ، وَالْحَكْمُ  
اللَّهُ وَالْمَعُودُ إِلَيْهِ الْقِيَامَةُ؛ (۱)

آن ظلم و خودکامگی که نسبت به خلافت و مهتری، بر ما تحمیل شد؛ در حالی که ما را نسبت برتر و پیوند خویشاوندی با رسول خدا صلی الله علیه و آله استوارتر بود، جز خودخواهی و انحصارطلبی چیز دیگری نبود که گروهی آزمندانه به مسند خلافت و سروری چنگ زده و چسبیدند و گروهی دیگر سخاوتمندانه از آن دست کشیدند، و داور واقعی و تنها دادگر خداوند است و روز واپسین تنها جای بازگشت به اوست.

### خطبه ششقیه ...

امیر مؤمنان علی علیه السلام شایستگی خویش را به خلافت به صراحت و آشکارا در خطبه مشهوری به نام خطبه ششقیه بیان فرموده است. آن جا که می فرماید:

آگاه باشید به خدا سوگند! پسر ابوقحافه (ابابکر)، جامه خلافت را به زور بر تن کرد، در حالی که می دانست جایگاه من نسبت به خلافت و

ص: ۸۰

\*\*\*

جانشینی، چون محور آسیاب است به آسیاب که دور آن حرکت می کند. او می دانست که سیل علوم از دامن کوهسار من جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه ها، به بلندای ارزش من نمی توانند پرواز کنند. پس من ردای خلافت را رها کرده و دامن جمع نموده از آن کناره گیری کردم و در این اندیشه بودم که آیا با دست تنها برای گرفتن حق خود به پا خیزم یا در این محیط خفقان زا و تاریکی که به وجود آورده اند، صبر پیشه سازم (؛ صبری) که پیران را فرسوده کند و جوانان را پیر، و مردان با ایمان را تا روز قیامت و ملاقات پروردگار اندوهگین نگه می دارد.

پس از ارزیابی درست؛ صبر و بردباری را خردمندانه تر دیدم، پس صبر کردم در حالی که گویا خار در چشم و استخوان در گلوی من مانده بود و با دیدگان خود می نگریستم که میراث مرا به غارت می برند تا این که اولی به راه خود رفت و خلافت را بعد از خود به پسر خطاب سپرد.

آن گاه حضرت علی علیه السلام به شعری از اعشی مثل زد و فرمود:

شأن ما یومی علی کورها ویوم حیّان أخی جابر؛

مرا با برادر جابر - حیّان - چه شباهتی است؟ من همه روز را در گرمای سوزان کار کردم و او راحت و آسوده در خانه بود.

سپس حضرتش به رفتار ابوبکر اشاره می کند و با شگفتی می فرماید:



\*\*\*

شگفتا! ابابکر که در دوران حیات خود از مردم می خواست عذرش را بپذیرند، چگونه در هنگام مرگ، خلافت را به عقد دیگری درآورد؟! هر دو از شتر خلافت سخت دوشیدند و از حاصل آن بهره مند گردیدند. سرانجام اولی حکومت را به راهی درآورد و به دست کسی (عمر) سپرد که مجموعه ای از خشونت، سخت گیری، اشتباه و پوزش طلبی بود. زمامدار مانند کسی بود که بر شتری سرکش سوار است، اگر عنان محکم کشد، پرده های بینی حیوان پاره می شود و اگر آزادش گذارد، در پرتگاه، سقوط می کند.

سوگند به خدا! مردم در حکومت دومی، در ناراحتی و رنج مهمی گرفتار آمده بودند و دچار دورویی ها و اعتراض ها شدند و من در این مدت طولانی محنت زا و عذاب آور، چاره ای جز شکیبایی نداشتم تا آن که روزگار او نیز سپری شد.

حضرت علی علیه السلام در فراز دیگر این خطبه به چگونگی شکل گیری شورای عمر می پردازد و می فرماید:

سپس عمر خلافت را در گروهی قرار داد که پنداشت من همسنگ آنان هستم. پناه بر خدا! از این شورا! در کدام زمان درباره صلاحیت من شک و تردید شد و مرا با شخص اولینشان هم سنگ انگاشتند؟ تا امروز با اعضای شورا برابر شوم که هم اکنون مرا مانند آنان پندارند و در صف آنها قرارم دهند؟ ناچار باز هم کوتاه آمدم و با آنان

\*\*\*

هماهنگ گردیدم.

یکی از آن‌ها به خاطر کینه‌ای که از من داشت از من روی برتافت و دیگری، دامادش را بر حقیقت، برتری داد و آن دو نفر دیگر که زشت است آوردن نامشان. تا آن که سومی به خلافت رسید، دو پهلویش از پرخوری باد کرده؛ همیشه بین آشپزخانه و دستشویی سرگردان بود و خویشاوندان پدری او از امویان به پا خواستند و همراه او بیت المال را خوردند و بر باد دادند؛ چون شتر گرسنه‌ای که به جان گیاه بهاری بیفتد.

سپس به چگونگی بیعت مردم با حضرتش اشاره می‌کند و می‌فرماید:

عثمان آن قدر اسراف کرد که ریسمان بافته او باز شد و اعمال او مردم را برانگیخت و شکم باره گی او نابودش ساخت. روز بیعت، فراوانی مردم چون یال‌های پرپشت کفتار بود، از هر طرف مرا احاطه کردند تا آن که نزدیک بود حسن و حسین (علیهما السلام) را لگدمال کنند و ردای من از دو طرف پاره شد. مردم چون گله‌های انبوه گوسفند مرا در میان گرفتند، اما آن گاه که به پا خاستم و خلافت را به دست گرفتم، جمعی پیمان شکستند، گروهی از اطاعت من سرباز زده و از دین خارج شدند و برخی از اطاعات حق سر برتافتند. گویا نشنیده بودند سخن خدای سبحان را که می‌فرماید:

\*\*\*

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛ (۱)

سرای آخرت را برای کسانی برمی‌گزینیم که خواهان سرکشی و فساد در زمین نباشند و آینده از آن پرهیزکاران است.

آری، به خدا سوگند! آن را خوب شنیده و حفظ کرده بودند؛ اما دنیا در دیده آن‌ها زیبا نمود، و زیور آن، چشم‌هایشان را خیره کرد.

سوگند به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید! اگر حضور فراوان بیعت کنندگان نبود و یاران، حجت را بر من تمام نمی‌کردند، و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که برابر شکم باره‌گی ستمگران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند، مهار شتر خلافت را بر کوهان آن انداخته، رهایش می‌ساختم و آخر خلافت را به کاسه اول آن سیراب می‌کردم، آن‌گاه می‌دیدید که دنیای شما نزد من از آب بینی بزغاله‌ای بی‌ارزش‌تر است.

راویان گویند: هنگامی که خطبه امیر مؤمنان علی علیه السلام به این جا رسید، مردی از دهات عراق برخاست و نامه‌ای به دست امام علیه السلام داد، آن حضرت نامه را مطالعه فرمود، ابن عباس گفت: ای امیر مؤمنان! چه خوب بود سخن را از همان جا که قطع شد، آغاز می‌کردید.

امام علیه السلام فرمود:

ص: ۸۴

\*\*\*

هیئات یابن عباس! تلک شقشقه هدرت ثم قرت؛

هرگز! ای پسر عباس! این شعله ای از آتش دل بود، زبانه کشید و فرو نشست.

ابن عباس گوید: به خدا سوگند! بر هیچ گفتاری مانند قطع شدن سخن امام علیه السلام این گونه اندوهناک نشدم که امام نتوانست تا آن جا که دوست دارد به سخن ادامه دهد.

و هنگامی که خلافت به او رسید و حق به او بازگشت فرمود:

الآن إذ رجع إلى أهله ونقل إلى منتقله؛ (۱)

الآن حق به صاحبش داده شد و به جایگاه واقعی خود منتقل گشت.

### مرگ با شناخت آنان شهادت است ...

حضرت علی علیه السلام می فرمایند:

من مات منکم علی فراشه وهو علی معرفه حق ربّه وحقّ رسوله وأهل بيته مات شهيداً، ووقع أجره علی الله، واستوجب ثواب ما نوى من صالح عمله، وقامت التيه مقام إصلاته لسيفه، فإن لكل شيء مدّه وأجلاً؛ (۲)

هر کس در حالت عادی و بر رختخواب خویش بمیرد در حالی که

ص: ۸۵

---

۱- . نهج البلاغه: ۴۷

۲- . همان: ۲۸۳

\*\*\*

شناخت کامل شایسته از پروردگار و پیامبر و خاندان او داشته باشد، به یقین شهید از دنیا رفته است و پاداش و مزد او بر خداوند خواهد بود و هر آن چه نیت خوبی نموده است به جای عمل او به حساب می آید، و همان نیت و انگیزه او، مانند آخته نمودن شمشیرش به حساب می آید. پس برای هر چیزی اندازه و مدتی است.

هر چند این روایت در مورد حضرت مهدی علیه السلام است؛ ولی فقط در خصوص ایشان نیست؛ بلکه این نتیجه و اثر درباره شناخت واقعی اهل بیت و خاندان پیامبر در هر زمان باشد، وجود دارد.

و از این روست که حضرت علیه السلام می فرمایند:

ناصرنا ومحبتنا ينتظر الرحمه وعدونا ومبغضنا ينتظر السطوه؛ (۱)

یاری گر و دوست دار ما همواره منتظر مهربانی و رحمت الهی است و دشمن کینه توز ما همواره منتظر عقوبت و گرفتاری.

در روایتی امام باقر علیه السلام می فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَصَبَ عَلِيًّا عَلِمًا بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ، فَمَنْ عَرَفَهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَنْكَرَهُ كَانَ كَافِرًا وَمَنْ جَهِلَهُ كَانَ ضَالًّا، وَمَنْ نَصَبَ مَعَهُ شَيْئًا كَانَ مُشْرِكًا، وَمَنْ جَاءَ بُولَايَتَهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ؛ (۲)

همانا خداوند متعال علی را به عنوان پرچمی بین خود و بندگانش

ص: ۸۶

---

۱- . نهج البلاغه: ۱۶۲

۲- . الکافی: ۱ / ۴۳۷

\*\*\*

قرار داد، پس هر که او را بشناسد باایمان است، هر که او را انکار نماید کافر است، هر که او را نشناسد گمراه است، هر که همراه او چیز دیگری را قرار دهد، همانا مشرک است و هر که ولایت او را داشته باشد، همانا داخل بهشت می شود.

در این معنا روایات بسیاری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وارد شده است که به روایت جارالله زمخشری بسنده می نماییم؛ همان که رازی آن را در تفسیرش این گونه آورده است:

صاحب کشاف از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله این گونه نقل کرده است که حضرت فرمود:

من مات علی حبّ آل محمّد مات شهیداً.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد مات مغفوراً له.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد مات تائباً.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد مات مؤمناً مستکمل الإيمان.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد بشّره ملک الموت بالجنّه ثم منکر ونکیر.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد یزفّ إلى الجنّه كما تزفّ العروس إلى بیت زوجها.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد فتح له فی قبره بابان إلى الجنّه.

ألا ومن مات علی حبّ آل محمّد جعل الله قبره مزار ملائکه الرحمه.

\*\*\*

ألا ومن مات علي حب آل محمد مات على السنه والجماعه.

ألا ومن مات علي بغض آل محمد جاء يوم القيامة مكتوباً بين عينيه: آيس من رحمه الله.

ألا ومن مات علي بغض آل محمد مات كافراً.

ألا ومن مات علي بغض آل محمد لم يشم رائحه الجنه؛ (۱)

هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، شهید از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، بخشیده شده از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، با توبه کامل از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، باایمان کامل و مؤمن از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، ابتدا فرشته مرگ او را به بهشت نوید می دهد، سپس دو فرشته سؤال و جواب (منکر و نکیر) سراغ او آیند.

بدانید و آگاه باشید! هر کس بر دوستی خاندان محمد بمیرد، به سوی بهشت می رود؛ همان گونه که عروس را با احترام و شادمانی به خانه شوهر می برند.

ص: ۸۸

\*\*\*

بدانید و آگاه باشید! هر که بر دوستی خاندان محمد بمیرد، خداوند در قبر او دو در به سوی بهشت باز می نماید.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر دوستی خاندان محمد بمیرد، خداوند قبرش را زیارتگاه فرشتگان رحمت خود می نماید.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر دوستی خاندان محمد بمیرد، بر دین واقعی و سنت پیامبر از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر کینه خاندان محمد بمیرد، روز قیامت او را می آورند؛ در حالی که بین دو چشمش نوشته شده است: این شخص ناامید از رحمت و عطوفت خداوند.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر کینه خاندان محمد بمیرد، کافر از دنیا رفته است.

بدانید و آگاه باشید! هر که بر کینه خاندان محمد بمیرد، هیچ گاه بوی بهشت به مشام او نمی رسد.

ما نیز می گوئیم:

خداوندا! ما را بر پیروی از محمد و خاندان محمد زنده بدار، و بر شناخت و دوستی آنان بمیران، و ما را در گروه آنان محشور بدار، و شفاعت آنان را روزی ما قرار بده و به هر آن چه که آنان را توفیق داده ای، توفیقمان ده، همانا تو شنوا و پذیرا هستی.



\*\*\*

### کتابنامه ...

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

الف

۳. الاحتجاج: ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، مؤسسه اعلمی، بیروت، لبنان.

۴. احياء الميت بفضائل أهل البيت: جلال الدين سيوطي، دار الثقليين، بيروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۵. الإستيعاب في معرفة الأصحاب: ابن عبد البر، دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ب

۶. بحار الأنوار: محمّد باقر مجلسی، دار الإحياء التراث العربی، بيروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۰۳.

ت

۷. تاريخ الخلفاء: جلال الدين سيوطي، منشورات شريف رضى، قم، ايران، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۸. تاريخ بغداد: خطيب بغدادی، دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

ص: ۹۰

شماره صفحه در کتاب - ص: ۱۰۸

\*\*\*

ص: ۹۱

شماره صفحه در کتاب - ص: سبط بن جوزی، مؤسسه اهل البيت عليهم السلام، بيروت، لبنان، سال ۱۴۰۱.

\*\*\*

۱۰. تشييد المراجعات وتفنييد المكابرات: سيد علي حسيني ميلاني، نشر الحقائق، قم، چاپ چهارم، سال ۱۴۲۷.

۱۱. تفسير فخر رازي (تفسير الكبير): فخر رازي، دار احياء التراث العربي، بيروت، چاپ سوم.

۱۲. تهذيب الأسماء واللغات: نَوَوِي، دار الفكر، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۶.

ج

۱۳. جامع بيان العلم وفضله: ابن عبد البر، دار ابن الجوزي، عربستان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۶.

ح

۱۴. حليه الأولياء: ابونعيم اصفهاني، دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۸.

ذ

۱۵. ذخيره المآل: احمد بن عبدالقادر عجيلي شافعي.

ص: ۹۲

\*\*\*

ر

۱۶. الرياض النَّضْرَه: محبّ الدين طبرى، دار الكتب علميّه، بيروت، لبنان.

ص

۱۷. الصّافي في تفسير القرآن: مولا محسن فيض كاشاني.

۱۸. صحيح بُخارى: محمّد بن اسماعيل بُخارى جُعفي، دار ابن كثير، دمشق، بيروت، يمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

۱۹. صحيح ترمذى: محمّد بن عيسى بن سوره ترمذى، دار الفكر، بيروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

۲۰. الصّواعق المُحرّقه: احمد بن محمّد بن محمّد بن على بن حجر هيثمى مكّي، تحقيق عبدالرحمان بن عبدالله تركى و كامل محمّد خرّاط، مؤسسه رسالت، بيروت، لبنان، چاپ يكّم، سال ۱۴۱۷.

ف

۲۱. فتح البارى في شرح صحيح البُخارى: ابن حجر عسقلانى، دار الكتب العلميه، بيروت، لبنان، چاپ يكّم، سال ۱۴۱۰.

۲۲. فرائد السّمطين: ابراهيم بن محمّد حموئى جوينى خراسانى، مؤسسه محمودى، بيروت، لبنان، چاپ يكّم، سال ۱۳۹۸.

ص: ۹۳

\*\*\*

۲۳. فیض القدیر فی شرح الجامع الصغیر: مناوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ک

۲۴. الکافی: محمّد بن یعقوب کلینی رحمه الله، دار صعب، دار التعارف، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۰۱.

۲۵. کشف الاستار عن زوائد البزار: حافظ هیثمی.

۲۶. کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب علیهما السلام: محمّد بن یوسف گنجی شافعی، مطبعه حیدریه، نجف اشرف، سال ۱۳۹۰.

۲۷. کنز العُمال: متقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

م

۲۸. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۲۹. المحجّه فیما نزل فی القائم الحجه: سید هاشم بحرانی.

۳۰. المستدرک علی الصحیحین: حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

۳۱. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

\*\*\*

۳۲. المشکات: ابو عبد الله محمد بن عبد الله خطیب تبریزی.

۳۳. المناقب خوارزمی: خوارزمی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

۳۴. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر: لطف الله صافی گلپایگانی.

۳۵. منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه: سید حبیب الله موسوی خوئی.

ن

۳۶. نفحات الأزهار فی خلاصه عبقات الأنوار: سید علی حسینی میلانی، نشر الحقائق، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

و

۳۷. وسائل الشیعه: شیخ حرّ عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ پنجم، سال ۱۴۰۳.

ص: ۹۵

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه



بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

